

تبیین نقش اختلافات مرزی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس مورد مطالعه امارات متحده عربی

کیوان ندافی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

پیروز مجتهدزاده^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حیدر لطفی

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

چکیده

سیاست خارجی و روابط دولت‌ها برگرفته از محیط پلئیتیک و شرایط مکانی و زمانی آنان است و بنابراین مستلزم طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپلیتیک است. ژئوپلیتیک نیز از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است که کمتر پویا و بیشتر ثابت است و کشورها تنها با برعهده گرفتن برخی از رفتارها و کردارها می‌توانند بر محدودیت‌های برآمده از ویژگی‌های آن چیره شوند. از دیدگاه‌های اختلاف‌های سرزمینی و مرزی، تنش‌های ملی، کشمکش‌ها و برخوردهای مرزی، خلیج فارس در صدر مناطق جهان قرار دارد. مرزهای اغلب کشورهای حوزه خلیج فارس مانند بحرین، امارات متحده عربی، قطر، عراق و کویت در مراحل مختلف تعیین خطوط مرزی با مشکل مواجه بوده و اغلب به اختلاف و درگیری بین آن‌ها انجامیده است. مرزهای این کشورها در طی تاریخ به شکلی تنظیم شده که هیچ یک از آزادی عمل برخوردار نبوده و هر کشوری، کشور همجوار را مکمل خود می‌داند. مرزهای ایران در خلیج فارس به ویژه حوزه‌های آبی بسیار مبهم مانده است. با این که بیشتر توافق‌های مرزی معطوف به فلات قاره می‌باشد و در حال حاضر نیز اعمال می‌شود. کم و بیش همه کشورهای منطقه خلیج فارس به ویژه کشورهای عربی با هم اختلاف سرزمینی و مرزی دارند. حل اختلافات منطقه‌ای از آن جهت اهمیت مضاعف ایجاد می‌کند که نقش واسط بین امنیت داخلی و امنیت خارجی دارد و پاشنه آشیل دولت‌ها محسوب می‌شود. سمت‌گیری تهدیدات از کانون‌های بیرونی نقطه آسیب‌پذیری حاکمیت هاست و هر آینه روابط فی مابین همسایگان رو به تیرگی بگذارد. با توجه به این مقدمه هدف اصلی تحقیق عبارت است از بررسی و شناخت اختلافات ارضی و مرزی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس و ارائه مدل راهبری برای حل و فصل مشکلات است. سوال اصلی تحقیق این است که آیا بهبود روابط ایران با کشورهای اثرگذار در منطقه (آمریکا، انگلیس، مصر و عربستان و....) موجب فروکش نمودن تنش بین ایران و امارات متحده عربی و به فراموشی سپردن مسئله جزایر خواهد شد؟ این مقاله با رویکردی جامع و روش تحقیق کیفی برگرفته از نظریه اشتراوس و کوربین به بررسی و ارائه مدلی برای حل اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس پرداخته است. حجم نمونه برای مصاحبه از خبرگان در چارچوب اشباع نظری نهایی گردید و از راهبرد نظریه داده بنیاد مشتعل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی و نیز الگوی مبنایی این نظریه جهت تدوین مدل مستخرج از

مقاله استفاده شده است. یافته‌ها منجر به شناسایی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و ابعاد پدیده اختلافات مرزی شد.

کلیدواژه‌گان: **خلیج فارس، اختلافات مرزی، خطوط مرزی دریایی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر.**

مقدمه

اختلافات مرزی خلیج فارس به خصوص ایران و امارات متحده سالیان اخیر موضوعی بسیار پیچیده شده است که جریان‌هایی در تلاش هستند تا از این امر در اغتشاشات مرزهای جنوبی کشور بهره‌برداری کنند. از این رو این مقاله، با توجه به مشکلات موجود و فرآیند ملی شده و اغتشاشات مرزی خلیج فارس در پی آن است تا به جزئیات ابعاد مسئله پرداخته و راه کارهایی را جهت حل بحران ارائه دهد تا به کاهش مشکلات مرزی بیانجامد. یکی از کانون‌های سیاست قدرت و امنیت در رابطه با هر کشور در نظام بین‌الملل ژئوپلیتیک است. رویدادها و رفتارهای موجود در سیاست خارجی کشورها به طرز غیرقابل‌تصور و وابستگی عمیق و قابل توجهی به ویژگی‌ها و مختصات ژئوپلیتیک یک کشور دارد. سیاست خارجی و روابط دولت‌ها برگرفته از محیط پلتیک و ایجاد شرایط تعامل در مجموعه‌ای از رفتارهای مکانی و زمانی آنان است و مستلزم طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپلیتیک است. در واقع نمایه ژئوپلیتیک از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است. درون مایه ژئوپلیتیک از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است که کمتر پویا و بیشتر ثابت است و کشورها تنها با برعهده گرفتن برخی از رفتارها و کردارها می‌توانند بر محدودیت‌های برآمده از ویژگی‌های ژئوپلیتیک چیره شوند. بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بر این باورند که سیاست خارجی یک کشور را کاراکترهای ژئوپلیتیک می‌سازند که به طور مستقیم در امنیت یک کشور دخیل می‌باشند و به‌عنوان شاخص‌های قدرت و ضعف یک کشور به شمار می‌رود در واقع کاراکترهای ژئوپلیتیک عمدتاً به صورت ژنتیک در کدهای رفتاری یک کشور مخفی‌اند و سیاستمداران بدون آنکه عاملان تصمیم بگیرند مجبور می‌شوند آن‌ها را به صورت اجرایی در عرصه عمل سیاست خارجی پیاده کنند. در حقیقت ژئوپلیتیک نقشه ژنتیک جغرافیایی سیاست خارجی یک کشور است که تأثیری در شکل و ماهیت بخشیدن به رفتارهای یک دولت نظام سیاسی در حل مشکلات و منازعات منطقه‌ای و عرصه روابط خارجی و نظام بین‌الملل دارند. همان گونه که انسان‌ها مطابق نقشه سستی خود عمل می‌کنند کشورها را نیز کدهای ژئوپلیتیک راهبری می‌کنند. در ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاها و جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن را به قلمرو اعمال اراده خود بی‌افزایند و برعکس رقبا را از فضاها و مورد منازعه بیرون برانند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶).

از دیدگاه‌های اختلاف‌های سرزمینی و مرزی، تنش‌های ملی، کشمکش‌ها و برخوردهای مرزی، خلیج فارس بر فراز مناطق جهان قرار دارد. کم و بیش همه کشورهای منطقه خلیج فارس به ویژه کشورهای عربی با هم اختلاف سرزمینی و مرزی دارند که بیشتر از هدف‌های توسعه طلبانه آن‌ها نشات می‌گیرد. نکته مهم این است که این کشورها همواره برای سرپوش نهادن بر اختلاف‌های سرزمینی خود با یکدیگر می‌کوشند اختلاف‌های مرزی ایران با همسایگان را بزرگ جلوه دهند. یکی از این موارد موضوع جزایر سه‌گانه است که بر سر آن ایران را به توسعه‌طلبی متهم کردند. ایران بر آن است که اختلافی در میان نیست و تنها ادعای بی‌پایه امارت متحده عربی نسبت به خاک ایران مطرح است. به گواهی تاریخ این جزایر همواره از آن ایران بوده است تا اینکه دولت استعمارگر انگلستان با ورود به حوزه خلیج فارس به بهانه گوشمالی دزدان دریایی و ایجاد امنیت کشتیرانی

در تنگه هرمز آن‌ها را به شارجه و رأس الخیمه می‌دهد. سرانجام پس از ۶۸ سال از اشغال با تلاش‌ها و اعتراض‌های پی‌درپی ایران در ۱۹۷۱ بر پایه گفتگوها و توافق‌های رسمی این جزایر به ما باز می‌گردد. اسناد تاریخی، جغرافیایی، حقوقی و نقشه‌های رسمی و نیمه‌رسمی فراوان در دست است که بی‌پایه بودن ادعای امارات را ثابت می‌کند. به هر رو ادعای مالکیت بر جزایری که اختلاف بر سر آن‌ها پیش‌تر از راه گفتگو از میان برداشته شده است خلاف ادعای صلح‌خواهی و طرفداری از امنیت در منطقه و نشانه قانون شکنی روشن امارات متحده عربی و بی‌توجهی آن به پیمان ۱۹۷۱ است. دولت ایران باید با بهره‌گیری از راهکارهای عملی و منطقی و با دیپلماسی نیرومند و کارساز این بدفهمی‌ها را از میان ببرد تا چنین ادعاهایی در آینده تکرار نشود. بنابراین، تحقیق حاضر در پی آن است که با وجود اسناد‌های موجود در دست، بی‌پایه بودن ادعای امارات را ثابت کند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهد شد. دو اهمیت و ضرورت تحقیق مقوله حل اختلافات مرزی از جمله مباحث نظری و عملی حوزه‌های ژئوپلیتیکی است که در دو دهه اخیر به لحاظ ماهیتی و کارکردی دچار تغییراتی شده است. به لحاظ مرجعیت حفظ و نگه‌داری تمامیت مرزی علاوه بر دولت‌ها، مردم و قومیت‌های ساکن در مناطق مرزی، افراد و کالایی‌هایی که از مرزها عبور می‌کنند را شامل می‌شود. حل اختلافات منطقه‌ای از آن جهت اهمیت مضاعف ایجاد می‌کند که نقش واسط بین امنیت داخلی و امنیت خارجی دارد و پاشنه آشیل دولت‌ها محسوب می‌شود. سمت‌گیری تهدیدات از کانون‌های بیرونی نقطه آسیب‌پذیری حاکمیت‌هاست و هر آینه روابط فی‌مابین همسایگان رو به تیرگی بگذارد، مرزها اولین لایه جذب تشعشعات و امواج منفی می‌باشند. لذا با توجه به این که موضوع تبیین حل اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس در راستای ارایه مدل راهبردی حل اختلافات مرزی مورد مطالعه امارات متحده عربی است، سعی گردید با شناخت استراتژی منطقه و جهانی در جهت تحلیل مشکلات منطقه گام برداشته شود. هدف اصلی تحقیق عبارت است از بررسی و شناخت اختلافات ارضی و مرزی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس و ارایه مدل راهبردی برای حل و فصل مشکلات است. با توجه به این هدف سوال اصلی مقاله این است که آیا بهبود روابط ایران با کشورهای اثرگذار در منطقه (آمریکا، انگلیس، مصر و عربستان و...) موجب فروکش نمودن تنش بین ایران و امارات متحده عربی و به فراموشی سپردن مسئله جزایر خواهد شد؟ این مقاله با رویکردی جامع و روش تحقیق کیفی برگرفته از نظریه اشتراوس و کوربین به بررسی و ارائه مدلی برای حل اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس پرداخته است. حجم نمونه برای مصاحبه از خبرگان در چارچوب اشباع نظری نهایی گردید و از راهبرد نظریه داده بنیاد مشتعل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی و نیز الگوی مبنایی این نظریه جهت تدوین مدل مستخرج از مقاله استفاده شده است.

رویکرد مفهومی و نظری

مرزها دارای کارکردهای خاص و متعددی هستند و به همان نسبت تهدیدها و آسیب‌هایی نیز متوجه مرزها است. این آسیب‌ها و تهدیدها با منشأ مختلف و با اهداف متفاوت، کارکردهای مرزی را نشانه رفته و عملکرد آن را مختل می‌کنند. مرزها در هر کشوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و همین امر نیز سبب می‌شود، حساسیت و نظارت ویژه‌ای بر آن وجود داشته باشد، ایران نیز مستثنی از این قاعده نیست؛ اما اهمیت مرز چیست و چرا نیازمند توجه ویژه است. مرزها پدیدآورنده وحدت سیاسی در قلمرو جغرافیایی هستند و الزاماً هم با وحدت طبیعی یا انسان همراه نیستند. امنیت و استقلال هر کشور نیز مترادف سرزمین و مساحتی است که به نام آن کشور در اسناد بین‌المللی، وفاق‌های جهانی و حقوق فراملی در سطح جهان ثبت و تایید شده است. مرزها همچنین نماد حاکمیت ملی یک کشور نیز محسوب می‌شوند و حساسیت مردم یک کشور به حفاظت از مرزها و نگهداری از مرزنشینان بر اساس مرزهای تعریف شده نیز شاخصی از حاکمیت ملی است و قلمرو این حاکمیت را نیز مرزها تعیین می‌کنند. مرزها تأثیر بسزایی نیز در توان اقتصادی و میزان مبادلات بازرگانان کشورهای مختلف با یکدیگر

دارند و بدیهی است که امن یا ناامن بودن مرز تأثیر مستقیم بر شمار و کیفیت کاروان‌های تجاری خواهد داشت و یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را در رونق اقتصادی کشور دارا خواهد بود.

این موارد سبب شده تا توجه به مرزها در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بخش‌های تولیدی و بازرگانی از اولویت و اهمیت حیاتی و اساسی برخوردار شود. مرزها در روابط دیپلماتیک کشورهای همسایه، منطقه و حتی فرامنطقه‌ای نیز تأثیر گذارند و از آنجایی که حریم‌های شناخته شده بر اساس میثاق‌های بین‌المللی و حقوق جهانی هستند. عاملی مهم برای ایجاد ثبات و آرامش میان کشورها یا اختلافات و منازعات و ادعاهای ارضی کشورها علیه یکدیگر به حساب می‌آیند. بر همین اساس نیز بخش مهمی از سیاست‌های خارجی و داخلی کشورها در تبعیت از چگونگی مرزهای مشترکشان با یکدیگر و موقعیت‌های ژئوپلیتیکی متأثر از مرزها شکل گرفته و تعریف می‌شوند. ارتباطات فرهنگی و روابط میان انسان‌ها به ویژه مرزنشینان نیز مؤلفه مهم دیگری در مرز است که در فرهنگ‌سازی یا تأثیرگذاری متقابل از فرهنگ‌ها و مجاورت‌های فرهنگی نقش مهمی دارد. قدرت نظامی نیز از عوامل تعیین‌کننده نیازهای یک کشور در مرزهای خشکی، آبی و حتی هوایی است که حراست و نحوه نظارت بر آن هر یک به نوبه خود، بر نحوه شکل‌گیری نیروهای مسلح و قدرت نظامی یک کشور تأثیر گذارند.

عناصر ژئوپلیتیک را می‌توان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرارداد. در سطح ملی می‌توان به جغرافیای انسانی و توزیع جمعیت، جغرافیای اقتصادی و منابع و جغرافیای طبیعی اشاره کرد. در سطح منطقه‌ای می‌توان به قرار گرفتن کشور در مناطق آشوب، فشار و منسجم اشاره کرد که قرار گرفتن کشور در هر کدام از این مناطق بر راهبرد آن کشور و قدرت مداخله‌گر تأثیرگذار است. در سطح جهانی نیز جایگاه کشور در نظام توزیع قدرت بین‌المللی و ساختار نظام بین‌الملل مؤثر است.

مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی به کار می‌رود؛ مانند مرزهای عقیدتی. که می‌تواند باز، بسته؛ ضعیف و یا قوی باشد (عزتی، ۱۳۶۸: Hansen, 1978; Jones and Wild, 1994; Buchanan, 1998). در گذشته و تا چند دهه پیش و حدوداً تا پایان دوران جنگ سرد، مرز؛ نشان‌گر اقتدار ملی، محدوده عمل حاکمیت و حفظ امنیت ملی از تجاوزات خارجی بود. افزون بر این، چون مرز به عنوان خطی است که سرزمین کشور را محدود می‌کند و آن را از خارج جدا می‌سازد؛ مناطق داخلی، مرکزی می‌شود و مناطق خارجی پیرامونی به حساب می‌آید. در فرایند انزوا و به حاشیه کشیده شدن مناطق پیرامونی، مناطق مرزی خصوصیات مناطق پیرامونی را پیدا می‌کند. بنابراین، در شرایطی که مناطق مرزی دور از مرکز یک کشور باشد، مناطق پیرامونی به حساب می‌آید. بنابراین، مناطق مرزی محل تلاقی دو پدیده نامنی و توسعه نیافتگی در مناطق پیرامونی است. اختلافات مرزی بین کشورهای همجوار از جمله مباحث اصلی مطالعات مرزها است. اختلاف دو کشور همجوار بر سر مرز مشترک از جنبه‌های مختلف مکانی، سرزمینی، عملکردی ... و در سطوح مختلف خرد تا کلان مطرح می‌باشد. مراحل تحدید حدود و علامت گذاری، که معمولاً همراه با قراردادهای مرزی صورت می‌گیرد، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نمی‌دارد به طوری که امروزه کمتر منطقه‌ای را در سطح جهان می‌توان یافت که در آن اختلافات مرزی بین کشورها وجود نداشته باشد. برشمردن این اختلافات مرزی و سرزمینی به صورت دقیق امکان‌پذیر نیست. به گفته مارتین گلاستر، تعداد اختلافات مرزی عمده فقط در خشکی‌ها، حدود ۱۰۰ مورد است که اگر جزایر مورد نزاع را نیز به حساب آوریم، تعداد آن بسیار بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، اختلافات مرزی در مورد مرزهای دریایی مقوله‌ای بزرگتر را شامل می‌شود، هر چند این اختلافات عمدتاً با اختلافات مرزی روی خشکی مرتبط‌اند (گلاستر، ۲۰۰۴: ۸۴). این تعدد اختلافات مرزی در کنار اهمیت و جایگاه برجسته آن‌ها در تعامل بین کشورها و چگونگی اداره و کنترل مرزها و مناطق مرزی کشور سبب شده است که مطالعه اختلافات و منازعات مرزی برای مدت طولانی یک موضوع جذاب پژوهشی برای محققان رشته‌های مختلف جغرافیای سیاسی، حقوق، علوم سیاسی و تاریخ محسوب شود که با نگرش‌های متفاوت به موضوع

اختلافات مرزی پردازند (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۵) و آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. در این میان مطالعه اختلافات مرزی در مرزهای دریایی به ویژه در مناطقی که دارای منابع با ارزش بالا و موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی هستند از جایگاه برجسته ای برخوردار می باشد. یکی از این مناطق با اهمیت و جایگاه برجسته مرزهای دریایی خلیج فارس است که اختلافات مرزی موجود در آن هر از چند گاهی زمینه چالش ها و درگیری های متعددی را بین کشورهای همجوار به وجود آورده است و برخی مواقع زمینه شکل گیری جنگ های خونین را نیز فراهم آورده است. بر این اساس، شناخت عوامل موثر بر اختلافات مرزی موجود در این حوزه و سطح بندی این اختلافات مرزی جایگاه برجسته ای در مطالعات مرزی دارا می باشد به نحوی که می توان با این شناخت چالش ها و درگیری های موجود در این فضا را تا حد قابل ملاحظه ای به ویژه برای جمهوری اسلامی ایران که دارای بیشترین تعداد همسایگان و بیشترین طول مرزها در خلیج فارس است، کاهش داده و زمینه کنترل و مدیریت بهتر مرزها در این حوزه جهت دستیابی به منافع ملی و امنیت ملی را برای کشور فراهم آورد.

تحدید حدود و علامت گذاری و قراردادهای مرزی که آن ها را همراهی می کنند، منابع مشترک مرزی و سایر مسائل مرتبط با مرزها هیچ کشوری را از اختلاف های مرزی مصون نمی دارند. مرزهای تکامل نیافته به آسانی می توانند زمینه منازعه بین کشورها را فراهم آورند (پرسکات، ۱۹۸۷: ۸) به صورت عام اختلافات مرزی چهار نوع متفاوت از اختلافات مرزی میان کشورها را در بر می گیرد. اولین نوع این اختلافات، اختلافات قلمرو خواهی است که در نتیجه علاقمندی هر کشور به تصاحب بخشی از سرزمین های مرزی کشور همسایه ایجاد می شود. نوع دوم به مشخص کردن جای دقیق مرز مربوط می شود و بیشتر به دلیل عدم توافق در تعبیر اصطلاحات به کار رفته در تعریف مرز در مراجع واگذاری، تعیین حدود یا علامت گذاری به وجود می آید و به اختلافات مرزی موقعیتی موسوم است. دسته سوم از اختلافات مرزی که به اختلافات مرزی کار کردی موسوم است، به کار کردها و نقش های حکومت در مرز مربوط می شود. این اختلافات زمانی بروز می کند که یکی از طرفین در تقویت سلطه خود بر عبور و مرور از طریق مرز، بیش از حد فعال و یا بیش از حد منفعل است. آخرین نوع اختلافات مرزی، یعنی اختلافات مربوط به بهره برداری منابع، به استفاده از منابعی باز می گردد که در مسیر مرز قرار دارند، مانند رودخانه ها، معادن ذغال سنگ یا ذخایر نفت و گاز (ربیعی و جان پرور، ۱۳۹۰). عوامل مختلفی بر اختلافات مرزی تاثیر می گذارند این عوامل ممکن است در هر یک اختلاف، موثر واقع شده و یا منجر به گسترش تنش و ایجاد درگیری گردند برخی از این عوامل عبارتند از:

الف- اهمیت جغرافیایی منطقه مورد اختلاف برای یک یا دو کشور: اهمیت راهبردی منطقه مورد اختلاف برای یک یا دو طرف کشور طرف منازعه به طور قطع با پافشاری دو کشور بر ادعاهای خود شده و حل بحران را بسیار مشکل می کند، به عنوان مثال اهمیت راهبردی کشمیر برای هند و پاکستان در ادامه بحران و اختلاف و به نتیجه نرسیدن طرح های صلح نقش اساسی داشته است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

ب- میزان منافی که یک یا دو طرف از نتیجه اختلافات مرزی می برد: به طور قطع وجود منافع مشترک برای دو طرف در حد اختلاف تاثیر دارد و سود بیشتر برای یک کشور در ادامه اختلاف موثر است. جقدرت نسبی طرفین مورد اختلاف: بیشتر در نظام ژئوپلیتیک جهانی کشوری که از قدرت ملی بالایی برخوردار است که قابلیت و توانایی آن را داشته باشد که این شرایط را به نفع خود تغییر دهد، از این رو میزان قدرت دو طرف مورد منازعه نقش مهمی در نحوه حل اختلافات مرزی دارد (همان: ۱۳۰). د- شرایط ژئوپلیتیک: وجود نظام های قدرت رقیب با یک نظام تک قطبی و حاکم بودن فضای امنیتی نظامی در جهان و غیره از جمله عواملی است که می تواند در تشدید یا تخفیف به اختلافات مرزی موثر باشد، به عنوان نمونه اختلافات مرزی ویتنام شمالی و جنوبی آلمان شرقی و غربی بیشتر در رقابتهای ژئوپلیتیکی دو ابرقدرت در دوران جنگ سرد نهفته بود، تا در

اختلافات واقعی دو کشور (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۱۷۲). با این وجود اگر اختلافات فی ما بین به صورت لاینحل و یا موقتی باشد، مانند آتش زیر خاکستر باقی مانده و هرزگاهی باعث تنش می‌شود.

منطقه مورد مطالعه

هر سرزمین دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را ارزشمند می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از منابع طبیعی، بهره‌وری زمین، جمعیت (گورز و دیل، ۱۹۹۲)، موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و غیره. این اهمیت و ارزش سرزمین‌ها به صورت‌های مختلف زمینه اختلاف و درگیری بین حکومت‌ها و دولت‌ها برای دستیابی به این فضاها فراهم کرده است. به نحوی که می‌توان گفت که اختلافات بر سر کنترل و مالکیت سرزمین از مهم‌ترین عوامل معمول مناقشات و جنگ‌ها است (کمپ و ها کاوی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). سرزمین‌هایی که بیش از دو یا چند کشور یا گروه از افراد ادعای حاکمیت و مالکیت نسبت به آن‌ها در مناطق مرزی دارند را مناطق مورد اختلاف می‌گویند. این سرزمین‌های مورد اختلاف دو کشور در محدوده مرزها سهم قابل توجهی در ایجاد اختلاف و چالش بین دو کشور فراهم می‌آورند و کشورها نسبت به آن از حساسیت بالایی برخوردارند و این حساسیت با ترسیم این مناطق بر روی نقشه‌ها از سوی کشورهای دیگر به نفع خود زمینه بروز چالش و سایر مسائل و اگرایی بین دو کشور را تشدید می‌کند (گنو، ۲۰۰۵: ۱۲) نگاهی کلی به حوزه خلیج فارس نشان دهنده وجود اختلافات ارضی متعدد بین کشورهای حاشیه آن می‌باشد.

جدول ۱. مهم‌ترین اختلافات ارضی در خلیج فارس

کشورها	اختلافات ارضی
عربستان - قطر	منطقه ابو الخفوس (خور العدید)؛ جزیره‌ی حالول؛ جزیره‌ی سبرخه مطی
قطر - امارات	خور العدید
عمان - عربستان	تقسیم واحه ی بوریمی؛ مناطق "العین" در امارت شارجه و مناطق مرزی "ربع" و "روضه" در امارت راس الخیمه
قطر - بحرین	جزیره حوار
کویت - عربستان	جزایر قار؛ جزایر المرادیم
عراق - کویت	کل کویت بخشی از ایالت بصره‌ی عراق

جدول ۲. مهم‌ترین مسائل مرزی در خلیج فارس

کشورها	اختلافات مرزی
عراق - ایران	اروند رود؛ دهانه ارونند رود
عراق - کویت	مرزهای خشکی تحمیل شده میان عراق و کویت در سال ۱۹۹۳؛ احداث بندر مبارک توسط کویت؛
کویت - ایران	عدم تعیین نهایی مرزهای دریایی به دلیل اختلافات سرزمینی عراق و کویت
عربستان - امارات	منطقه (واحه العین)، صحرای (الظفره) و خور العدید

جدول ۳. منابع مرزی مشترک بین همسایگان در خلیج فارس

نام میدان	مشترک با ...	توضیحات
میدان گازی- نفتی آرش	کویت	این میدان با نفت خام در جای اولیه ۴۵۷ میلیون بشکه در سازند گدوان و گاز در جای اولیه ۵- ۲۲ میلیارد متر مکعب و ۶- ۸۳ میلیون بشکه میعانات گازی در سازند فهلیان است.
میدان نفتی اسفندیار	عربستان	میدان اسفندیار دارای ۵۳۲ میلیون بشکه نفت خام درجا می باشد
میدان نفتی فروزان	عربستان	این میدان ۲۳۰۹ میلیون بشکه نفت خام درجا دارد
میادین گازی فرزاد A و B	عربستان	---
میدان گازی - نفتی پارس جنوبی	قطر	مساحت کل میدان گازی مذکور ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم متعلق به ایران ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره این بخش از گاز ایران ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۹ درصد از کل گاز دنیا و نزدیک به نیمی از ذخایر از کشور را شامل می شود
میدان نفتی - گازی سلمان (ساسان سابق)	امارات متحده	ذخیره نفت خام میدان سلمان ۴۰۷۳ میلیون بشکه و گاز ۵- ۱۸۳ میلیون متر مکعب گاز درجا است
میدان نفتی - گازی فرزام	امارات متحده	-

با پیدایش نفت در خلیج فارس، مسئله سرحدات مرزی آبی و خاکی و حدود قلمرو حاکمیت کشورهای ساحلی مطرح شد و اختلاف ها و رقابت های سیاسی جنبه ملموس پیدا کرد. قبل از آن دوران، مرزهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس مبهم و نامشخص و حاکمیت آن ها بر دریای مجاور شان مقوله ای نه در قلمرو حقوق بین الملل، بلکه در گرو قدرت و سیاست استعمارگران و بیگانگان بود. در حقیقت قلمرو حاکمیت شیوخ و دولت های حاشیه خلیج فارس، محدوده به مرزهای مصلحتی با ترسیم خطوط مبهم می شد. به زبان دیگر اساس حاکمیت سرزمینی در مفهوم و تعبیر غربی آن مقوله ای ناشناخته بود و تنها محدوده استقرار قبیله ها ملاک تعیین مرزها محسوب می شد، حتی اکثر فرمان روایان سنتی این منطقه از تثبیت حدود مرزهای خود گریزان بودند؛ از جمله نقل می کنند که ابن سعود با پیشنهاد سر پرسی کاکس در مورد تثبیت مرزها ناخشنود بود. توجیه ساده و بعضا منطقی این مخالفت این بود که حکمرانان سنت گرا و روسای قبایل این منطقه فایده اندکی در ترسیم خطوط مجازی در پهنه کویرها و شنزارها می دیدند. آن چه در این وادی بی آب و علف مهم به حساب می آمد، وجود چاه و چشمه آب در واحه ای کوچک با چند نخل خرما بود. در جهت مقابل در ناحیه شمالی خلیج فارس، مسئله تحدید حدود مرزی شکل پیشرفته تری داشت و قواعد حقوقی - سیاسی حاکم در غرب ناظر بر حدود حاکمیت دولت ایران بر قلمرو خشکی و آبی و جزایر از اعتبار و ملاک خاصی برخوردار بود (کازمی، ۱۳۷۴). به طوری که قبل از آن که کشورهای کنونی جنوبی خلیج فارس بر روی نقشه های جهان پیدا شوند در مناطق شمالی آن ایران، عثمانی، هند و سایر قدرت های موجود، بخش زیادی از مرزهای خود را مشخص و محدوده های خود را تعیین کرده بودند. اما در کرانه های جنوبی خلیج فارس که قدرت های خارجی قرن ها در آن حضور داشته و به نوعی آن را اداره می کردند تعیین مرزها همچنان مبهم و نامشخص بود. از نیمه دوم قرن بیست به تدریج تعیین مرزهای سیاسی اهمیت پیدا کرد و کشورهای منطقه شروع به تعیین مرزهای خود کردند (ریبیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

فقدان مشروعیت داخلی و در نتیجه ضعف داخلی کشورهای جنوبی خلیج فارس و عدم اتکای آن ها به ملت هایشان از دو جهت منجر به آسیب وارد شدن به کشورهای منطقه می شود. اول این که زمینه های همکاری و همگرایی را از بین می برد و باعث دور افتادن کشورها و موضع گیری در مقابل یک دیگر می شود. دوم این که موجب حضور کشورهای قدرت مند برای

برقراری امنیت و پر کردن خلأ قدرت در این منطقه می‌باشد. این امر باعث شد که: در میان مناطق جهان سوم، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، تنها منطقه‌ای که با توجه به توانایی‌های بالقوه داخلی به شدت تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی بین‌المللی قدرت‌های بزرگ باقی ماند، خاورمیانه بود (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۳۸).

نبود مشروعیت داخلی به بی‌ثباتی سیاسی می‌انجامد و بی‌ثباتی سیاسی به اختلافات میان کشورها دامن می‌زند و در نتیجه بازتاب منطقه‌ای، احساس ناامنی شدید را در پی دارد. احساس ناامنی دو نتیجه بسیار منفی و بلندمدت بر رشد و توسعه سیاسی اقتصادی منطقه می‌گذارد:

۱. مسابقه تسلیحاتی

۲. حضور نیروهای بیگانه برای ایجاد امنیت

در خلیج فارس، امنیت و مشروعیت حوزه قدرت به قدری به دنیای بیرون از مرزها وابسته است که هر روز جابه‌جایی قدرت و تغییر ماهیت و جهت‌گیری‌ها تابع منافع بین‌الملل است. عامل بیرونی با استفاده از ضعف داخلی، نقاط اختلاف را تشدید می‌کند و سیاست در خاورمیانه را هم‌سو با منافع بین‌المللی و نه منافع کشورهای منطقه شکل می‌دهد. ناهمگونی ساختارهای سیاسی هشت کشور خلیج فارس به همان اندازه که بر سیاست خارجی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بر همکاری‌های منطقه‌ای و به همان میزان بر امنیت خلیج فارس تأثیر گذار است (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۷۵).

اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر ابوموسی و تنب کوچک و تنب بزرگ، از قبل انقلاب تا کنون و پشتیبانی شورای همکاری خلیج فارس از ادعای امارات از دیگر عوامل اختلاف است. اختلاف درونی میان اعراب و اختلافات مرزی و مواضع ناهمگون در قبال مسئله اسرائیل از جمله مشکلات و موانع ساختاری در روابط اعراب است.

بهترین راهکاری که می‌تواند ایران را از مخمصه انزوا که آمریکا به دنبال آن است، رها سازد، برقراری روابط دوستانه با کشورهای عربی است. روابط دوستانه با این کشورها منجر به فضای اعتمادساز بین دولت‌ها می‌شود، اعتماد میان دولت‌ها به درک اشتراکات منافع و خطر تهدیدات مشترک می‌انجامد، و این درک به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز پیمان امنیت دسته‌جمعی باشد. دست یافتن به زمینه‌های مشترک یک پیمان امنیت دسته‌جمعی، باعث برقراری امنیت توسط کشورهای منطقه و ناکارآمد شدن عوامل خارجی در منطقه می‌شود. با توجه به عامل جغرافیایی، اقتصادی و استراتژیک مشترک میان همه کشورهای خلیج فارس، منطقی‌ترین نظام برای پاسداری از امنیت منطقه، سیستمی خواهد بود که همه کشورهای کرانه‌ای را در برگیرد، بدون شرکت هیچ کشور دیگری.

این یک واقعیت است که کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل این‌که درآمدهای اصلی کشورشان در گرو صادرات نفت و دلارهای نفتی است، به هیچ‌وجه منافع مشترکی با ملت‌هایشان ندارند و همین امر آن‌ها را به سمت سیستم‌های مطلقه و غیردموکراتیک پیش می‌برد و عدم اتکای آن‌ها به ملت و مردمشان و عدم ثبات سیاسی باعث روی آوردن آن‌ها به ماجراجویی‌های نظامی و تسلیحاتی می‌شود. به همین دلیل شاید بزرگ‌ترین خریداران و مشتریان تسلیحات آمریکا، کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس باشند. دست یافتن به برتری نظامی و استراتژیک در خلیج فارس که راه ورود به بخشی از آب‌های آزاد جهان و محل عمده ترانزیت نفت است در رأس استراتژی دریایی دولت‌های بزرگ و از طریق همکاری با کشورهای منطقه است و اینها نشان از ضرورت تأمین امنیت تجارت دریایی در خلیج فارس می‌باشد.

ظهور افکار ناسیونالیستی مانند پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم در نیمه دهه ۱۹۵۰ میلادی منطقه را دچار التهابی ساخت که تا دو دهه ادامه داشت. کارایی نداشتن بعضی از رهبران کشورهای منطقه، و دور بودن آنان از نخبگان و روشنفکران نیز از چالش‌های اصلی به شمار می‌رود. حکومت‌های اقتدارگرایی فردی، سلطنتی و خانوادگی و حتی قبیله‌ای نیز بیش‌تر نظام‌های سیاسی را دچار بحران مشروعیت ساخته است. این بحران سبب شکنندگی داخلی شده که بر اثر آن این کشورها به

قدرت‌های بیگانه متکی می‌شوند و بدین ترتیب حضور بیگانگان در منطقه توجیه می‌شود. تک محصولی بودن کشورها و اتکای آن‌ها به صدور نفت و اقتصاد موازی، سبب وابستگی آن‌ها به قدرت‌های صنعتی و بی‌نیازی از همسایگان شده است. آمریکا و اسرائیل نیز در سایه این شرایط درصددند روند طبیعی اقتصاد منطقه را تخریب و پیوسته کشورهای منطقه را به دلارهای نفتی وابسته کنند. این سیاست عواید سرشاری روانه کشورهای غربی و به ویژه آمریکا می‌کند. در این راستا کشورهای منطقه خلیج فارس درآمدهای نفتی را به سبب اختلاف‌های (مرزی و گاه قومی) و شرایط کلی حاکم بر منطقه بار دیگر در راستای اهداف نظامی خود به سوی غرب روان می‌سازند» (سیمبر، ۱۳۸۵: ۲۸).

مرزهای دریایی مختلف در خلیج فارس

۱- ایران و عربستان سعودی

ایران و عربستان سعودی در سال ۱۹۶۸ موافقت‌نامه‌ای را جهت تعیین حاکمیت دو جزیره فارسی و العربی و همچنین تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان سعودی امضا نمودند. در این قرارداد طرفین متقابلاً حق حاکمیت یکدیگر را نسبت به کف و زیر کف نواحی تحت البحری در سمت مربوطه خط مرزی جهت انجام عملیات اکتشافی و بهره‌برداری از منابع طبیعی آن، به رسمیت می‌شناسند.

این موافقت‌نامه نخستین موافقت‌نامه تحدید حدود مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس می‌باشد و از دلایل تسریع در انجام توافقات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد، احتمال وجود منابع قابل توجه نفت در بستر خلیج فارس، عامل اصلی فعالیت اکتشافی ایران و عربستان سعودی در دهه ۱۳۳۰ ه. ش گردید. وجود اختلاف در محدوده مورد بهره‌برداری طرفین باعث شد تا دو کشور جهت افزار مرز دریایی و تعیین حدود فلات قاره تمایل نشان دهند. روابط ویژه هر دو کشور با ایالات متحده آمریکا و مصمم بودن آن‌ها جهت جلوگیری از تحقق آمال جاه طلبانه شوروی سابق و مقابله با تهدیدات استراتژیک مطرح شده از سوی عراق باعث تسریع در روند مذاکرات و به نتیجه رسیدن آن گردیده (زنده بودی، <http://ezendeboudi19.blogfa.com>). البته در خلال مذاکرات، نحوه احتساب عرض دریایی سرزمینی در جزیره ایرانی خارک منجر به بروز اختلاف گردید. ایران بر این عقیده بود که خط پست‌ترین جزر این جزیره باید مبنای ترسیم خط مرزی قرار گیرد. در مقابل عربستان اصرار داشت که خط میانه بر مبنای خطوط ساحلی دو کشور بدون در نظر گرفتن جزیره خارک ترسیم شود. در نهایت طرفین توافق کردند که در مورد جزیره خارک قاعده احتساب بصورت منصفه اعمال شود. بخش دیگر مرز که اهمیت ویژه‌ای به آن بخشیده، محدوده دو جزیره فارسی و العربی می‌باشد. در این بخش بعلت تعلق دریای سرزمینی به هر دو جزیره، خط تقسیم به شکل (S) ترسیم گردید و دریای سرزمینی هر دو جزیره توسط خط میانه ترسیم شده است.» (زنده بودی، <http://ezendeboudi19.blogfa.com>).

۲- ایران و بحرین

موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره بین ایران و بحرین مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماده و یک نقشه در تاریخ ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۰ برابر با ۱۷ ژوئن ۱۹۷۱ بین نمایندگان ایران و بحرین در منامه (بحرین) به امضاء رسیده است. مطابق این موافقت‌نامه هرگاه ساختمان زمین‌شناسی نفتی واحد یا یک میدان نفتی واحد یا هر ساختمان زمین‌شناسی واحد یا میدان واحدی از مواد معدنی دیگر از یک طرف خط مرزی به طرف دیگر آن امتداد یابد و آن قسمت از این ساختمان یا میدان را که در یک طرف خط مرزی واقع شده باشد بتوان کلاً یا جزئاً به وسیله حفاری انحرافی از طرف دیگر خط مرزی مورد بهره‌برداری قرار داد در این صورت: الف - در هیچ یک از دو طرف خط مرزی مشخص در موافقت‌نامه هیچ چاهی که بخش بهره‌ده آن از خط مرزی مذکور کمتر از ۱۲۵ متر فاصله داشته باشد حفر نخواهد شد مگر با توافق بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت بحرین. ب - در

صورت بروز پیشامد منظور در این ماده هر دو طرف این موافقتنامه حداکثر کوشش خود را به کار خواهند برد تا نسبت به نحوه هماهنگ ساختن عملیات و یا یک کاسه کردن آن در طرفین خط مرزی توافق حاصل نمایند.

هجوم استعمار پرتغال به منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس و اشغال نقاط استراتژیک منطقه و از جمله جزیره هرمز و مجمع‌الجزایر بحرین، نقطه آغاز بر هم خوردن تعادل منطقه و ایجاد اختلافات سرزمینی بود. فهرست مراحل و مشکلات بعدی عبارت است از: پس از گذشت حدود یک قرن از اشغال پرتغالی‌ها، لشکرکشی شاهعباس در سال ۱۰۱۰ ه. ق ۱۶۰۲ م. به بحرین و آزاد کردن آنجا از تصرف اشغال‌گران خارجی و الحاق مجدد به ایران که پس از آن مجمع‌الجزایر بحرین مدت ۱۸۰ سال تا سال ۱۷۸۳ مانند گذشته در اختیار حکومت ایران بود (الهی، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

خارج کردن کنترل بحرین برای مدتی از دست ایرانیان توسط شیخ احمد بن خلیفه "از قبیله بنی عتبه و از خاندان خلیفه در سال ۱۷۸۳ (یا ۱۷۸۲) انعقاد قرارداد صلح عمومی یا قرارداد اساسی (قرارداد تحت الحمایگی) شیخ بحرین با بریتانیا در ژانویه ۱۸۲۰ و برافراشتن پرچم آن کشور بر فراز مقر دارالحکومه که حکومت ایران را با یک مشکل جدی سیاسی و سرزمینی روبرو کرد. اعتراض دولت ایران (در زمان سلطنت ناصرالدین شاه) طی یادداشتی به سفارت بریتانیا در تهران انعقاد مجدد قراردادهای تحت الحمایگی شیخ بحرین در سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۲ با (Abdelkarim, 1999: 24) بریتانیا درخواست ایران برای اعاده حق حاکمیت خود بر بحرین پس از انتقال سلطنت از سلسله قاجار به پهلوی طرح مجدد اعاده حاکمیت ایران بر بحرین در دوران سلطنت محمدرضا شاه، حداقل در دو برهه زمانی در اسفند ۱۳۲۹ در لایحه مربوط به ملی کردن صنعت نفت ایران که برای تصویب به مجلس شورای ملی ارائه شد و شرکت نفت بحرین نیز در طرح ملی شدن قرار داشت؛ و بار دوم در آبان ماه ۱۳۳۶ که هیأت وزیران لایحه ای را برای تقدیم به مجلس آماده کرد و به وضوح نشان دهنده حق و ادعای مالکیت ایران به بحرین بود. روند حل اختلاف؛ با اعلام خروج بریتانیا از منطقه در اواخر سال ۱۹۶۷ ایران مسأله حاکمیت خود بر بحرین را مجدداً مطرح و روند زیر پیگیری شد:

۱- رد اظهارات وزیر مشاور دولت انگلستان: دولت ایران اظهارات وزیر مشاور کابینه کارگری انگلستان که در ملاقات با احمد جارالله مدیر روزنامه السیاسیه اظهار داشته بود: بحرین سالیان دراز کشور مستقلی بوده و با حضور انگلستان در آن امارت با استقلال آن مغایرتی ندارد؛ رد کرد. سخنگوی وزارت خارجه به خبرنگاران گفت: در این باره لازم است توضیح داده و تأکید شود که دولت شاهنشاهی هیچ وقت بحرین را مستقل ندانسته و همواره حقوق حقه خود را نسبت به جزایر مزبور محفوظ داشته و می‌دارد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۷/۵/۲).

۲- عکس‌العمل شدید ایران از طریق صدور بیانیه اعتراضی در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۴۷: به طور کلی دولت ایران همواره مخالفت خود را با استعمار و شبه استعمار و هر گونه مظاهر و تجلیات آن اعلام کرده است و از طرف دیگر تشکیل به اصطلاح کنفدراسیونی از امارات خلیج فارس که جزایر بحرین را یکی از اعضاء آن قرار می‌دهند برای دولت ایران به هیچ وجه قابل قبول نیست (اطلاعات، ۱۳۴۷/۴/۱۸). تصمیم ایران به حل مسأله بحرین به روشی مسالمت آمیز طی اظهار نظر شاه در ژانویه ۱۹۶۹ در دهلی نو: ... ایران از سوی دیگر، همیشه نسبت به سیاست خود مبنی بر عدم توسل به زور برای به دست آوردن سرزمین‌ها یا امتیازات سرزمینی بدون خواست مردم آن‌ها پایبند است. من می‌خواهم بگویم اگر مردم بحرین نمی‌خواهند به کشور ما بپیوندند، هرگز به زور متوسل نخواهیم شد، زیرا توسل به زور برای تسخیر این قسمت از سرزمین ما بر خلاف سیاست دولت ماست. ... سیاست و فلسفه ما مخالفت با اشغال قهر آمیز سرزمین‌های دیگر است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۹/۱۰/۲۱) اطلاعات حل اختلاف؛ با توجه به تحولات گوناگون ایران از دبیرکل سازمان ملل خواست با مساعی جمیله خود اراده مردم بحرین را برای استقلال یا ماندن با ایران ارزیابی کند. دبیر کل سازمان ملل به عنوان فرستاده شخصی خود مأموریت داد تا اراده مردم بحرین را مشخص نماید. وی نیز در گزارشی اعلام کرد که اکثریت مردم بحرین خواستار به

رسمیت شناخته شدن سرزمین خود به عنوان کشور مستقل هستند. پس از ارائه گزارش وی، شورای امنیت سازمان ملل در ۱۱ می ۱۹۷۰ نتیجه گزارش را به تصویب رساند و در قطعنامه ۲۷۸ استقلال بحرین را به تصویب رساند.

۳- ایران و قطر

ایران و قطر در سال ۱۹۶۹ موافقت نامه ای جهت تعیین خط مرزی حفاصل فلات قاره امضا نمودند. یکی از عوامل مهمی که باعث گردید تا قطر به طور جدی موضوع تعیین قلمروهای دریایی خود با ایران را پیگیری نماید. اعلامیه ژانویه ۱۹۸۶ دولت محافظه کار بریتانیا مبنی بر پایان حضور نظامی و سیاسی این کشور در خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱ بود. به دنبال صدور این اعلامیه، شیوخ عرب مصمم شدند تا به اختلافات خود با قدرت برتر آینده در خلیج فارس (یعنی ایران) خاتمه دهند. از طرفی ایران نمی خواست به گونه ای عمل نماید که منجر به حضور قدرتهای خارجی در منطقه گردد. اگر چه دو طرف در استفاده از خط میانه توافق داشتند، اما مشکلات چندی بروز کرد. اولین مشکل به ترسیم خط مبدا در سواحل دو کشور مربوط می شد. وجود چند جزیره باعث بروز اختلاف در ترسیم خط مبدا گردید. برای پرهیز از اختلاف، توافق گردید تا خط مبدا بدون دخالت جزایر، تپه ها و برآمدگیهای جزیری تعیین شود. در نتیجه ایران از خواسته خود مبنی بر استفاده از سواحل سه جزیره کیش، هندورابی و لاوان جهت ترسیم خط مبدا چشم پوشی کرد. این اقدام کاملا سیاسی بود و بر مبنای این تفاهم که حاکمیت بلامانع ایران بر این جزایر تایید شده است صورت گرفت مشکل دیگر به بحرین مربوط می شد. در زمانی که مذاکرات دو طرف جهت تعیین مرز فلات قاره ادامه داشت ایران در پی تجدید حاکمیت بر بحرین بعنوان بخشی از سرزمین اصلی خود در آن سوی خلیج فارس بود از طرفی قطر و بحرین دارای اختلافات ارضی و مرزی بودند بنابراین تصمیم ویژه ای در این خصوص اتخاذ گردید. طبق توافق طرفین مقرر گردید تا مکان دقیق اتصال مرز در شمال غرب تا زمانیکه مرز دریایی قطر و بحرین مشخص نگردیده نامعلوم باقی مانده. موافقت نامه مرز دریایی ایران و قطر در ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۹ امضاء و از تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۹ به مورد اجرا گذاشته شد. این مرز ۱۳۱ مایل دریایی طول دارد و از ۶ نقطه گردش و اتصال تشکیل شده است. ویژگی خاص این مرز ترسیم آن بر اساس استفاده از خط ژئودزیک می باشد. بر این اساس فاصله نقاط مرزی نسبت به خط مبدا در سواحل هر دو کشور ایران و قطر یکسان است.

۴- ایران و عمان

آنچه امروز تحت عنوان مرز دریایی ایران و عمان از آن یاد می شود، در حقیقت خط منصفی است از وسط تنگه هرمز می گذرد و مرز دریایی ایران و عمان را در تنگه هرمز و مدخل خلیج فارس افراز می نماید. (همان) موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره بین دولت ایران و دولت سلطنتی عمان مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماده و یک نقشه در تاریخ ۳ مرداد ماه ۱۳۵۳ برابر ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۴ در تهران به امضا رسیده است. ماده ۲ این موافقت نامه نیز دقیقا همچون ماده ۲ موافقت نامه با بحرین به شرایطی اشاره دارد که امکان کشف منابع قابل برداشت در مرز فلات قاره دو کشور وجود دارد. نکته قابل ذکر دیگر اینست که در تعیین و ترسیم این مرز دریایی همه جزایر ایرانی و عمانی مورد توجه قرار گرفته و خط کرانه ای دو کشور از خط کرانه ای جزایر دو کشور در شمال و جنوب محاسبه شده است.

۵- عراق

یکی از دو منطقه ای که در خلیج فارس همچنان با مشکل تحدید حدود مواجه است منتهی الیه غربی آن است، جایی که در مجاورت سه کشور ایران، عراق و کویت می باشد. از دلایل بلا تکلیفی این منطقه، مخالفت های عراق با هر نوع موافقت نامه ای است. عراق در یک موقعیت کاملا نامناسب نسبت به دو همسایه دیگر خود قرار دارد و حتی این موقعیت از جمله عوامل کشمکش بین ایران و عراق بوده است. «میزان دسترسی عراق به آبهای آزاد بین المللی ۱۸ / ۵ کیلومتر است که در مقایسه با سایر کشورهای کرانه ای خلیج فارس بسیار کم و قابل چشم پوشی است.» (همان)

بعد از پیدایش (۱۹۱۴) و استقلال عراق (۱۹۳۲) مهمترین مسأله میان ایران و کشور جدید عراق اختلافات مرزی بود که از زمان امپراطوری عثمانی به جا مانده و با تشکیل کشور عراق جدید مورد استفاده سیاستمداران عراقی واقع شد. از ابتدا ایران در صدد بود تا زمانی که رژیم عراق حقوق ایران در شط العرب را به رسمیت نشناسد، از به رسمیت شناختن آن خودداری کند. بریتانیا به عنوان پشتیبان عراق در این موضوع طی یادداشتی در مارس ۱۹۲۹ به وزیر خارجه ایران، شناسایی حقوق ایران در شط العرب را به شناسایی عراق از سوی ایران مشروط کرد و دولت ایران پس از اطمینان از این موضوع عراق را به رسمیت شناخت. خلف وعده بریتانیا و عراق در به رسمیت شناختن حقوق ایران این اختلاف سرزمینی را پایه گذاری کرد. با وجود ورود عراق به جامعه ملل، راه حلی برای مشکلات دو کشور یافت نشد. فهرست عمده تلاش های دو طرف برای حل اختلافات به شرح زیر است: دیدار ملک فیصل اول در ۱۱ اردیبهشت (۱۳۱۱) ۲۲ آوریل ۱۹۳۲ (از ایران و تقاضای تعیین خط تالوگ به عنوان مرز میان دو کشور که با مرگ فیصل و عدم انجام سفر رضا شاه ناکام ماند. توصیه جامعه ملل به مذاکره مستقیم دو کشور در پی شکایت عراق، سفر نوری سعید وزیر امور خارجه عراق در اوت ۱۹۳۵ به ایران، مخالفت اولیه وی با مبنا قرار دادن خط تالوگ و موافقت نهایی با این موضوع که منجر به امضای عهدنامه سرحدی در سال ۱۹۳۷ شد که البته برخی حقوق ایران را نادیده می گرفت. توافق نخست وزیران دو کشور (دکتر اقبال و نوری سعید) در شورای وزیران پیمان بغداد در سال ۱۳۳۶ در کراچی برای حل اختلاف های دو کشور که با کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم (مشایخ فریدنی، ۱۳۶۹: ۲۰۶) و این توافق نیز به نتیجه نرسید. کودتای حزب بعث در ۱۹۶۸ و تصمیم مقامات عراقی به بازرسی اسناد و مدارک کشتی هایی که وارد شط العرب می شدند، و ادعای وزارت خارجه عراق مبنی بر تعلق شط العرب به عراق و تقاضا از دولت ایران برای پایین کشیدن پرچم کشتی هایی که پرچم ایران را برافراشته اند، هنگام ورود به شط العرب و تهدید ایران برای بکار بردن قوه قهریه. پاسخ سرسختانه ایران به این ادعا در فرودین ماه ۱۳۴۸ و ذکر تخلفات دولت عراق از عهدنامه دوجانبه، لغو عهدنامه مرزی میان دو کشور و صدور اعلامیه ای در اردیبهشت (۱۳۴۸) آوریل (۱۹۶۹) مبنی بر بی اعتنائی عراق به توافقات قبلی و تقاضا برای تعیین خط مرزی مطابق قواعد و مقررات بین المللی (روزنامه اطلاعات ۷/ ۲/ ۱۳۴۸) اعلام ایران مبنی بر ملغی بودن قرارداد ۱۹۳۷ در پاسخ به شروط عراق برای ایران (نشریه سالانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۸) و درگرفتن جنگ سرد بین دو کشور. قطع روابط دیپلماتیک از سوی عراق پس از اقدام ایران در بازپس گیری جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی از اول دسامبر (۱۹۷۱) ۱۰ آذرماه ۱۳۵۰؛ چندین مورد درگیری مرزی در فاصله سال های ۱۳۵۱ و بویژه ماه های بهمن و اسفند ۱۳۵۲ میان نیروهای ایرانی و عراقی) شکایت عراق در ۱۲ فوریه ۱۹۷۴ به شورای امنیت سازمان ملل و تقاضای تشکیل جلسه فوری (آرشیو اسناد سازمان ملل، شماره ۱۱۲۱۶/۱ س؛ ۱۲ فوریه ۱۹۷۴ (که با پاسخ ایران) آرشیو سازمان ملل، شماره SIPV۱۷۶۲/۱؛ ۱۵ فوریه ۱۹۷۴ (همراه شد و عدم پذیرش مداخله هیچ مرجع و مقام بین المللی حتی دبیرکل سازمان ملل متحد. اعزام نماینده شورای امنیت در فوریه ۱۹۷۴ به منطقه و ارائه گزارش به شورای امنیت برای عقب رفتن همزمان نیروهای دو کشور و از سرگرفتن مجدد مذاکرات (روزنامه اطلاعات، ۱/۳/۱۳۵۳) و سرانجام میانجیگری هواری بومدین رئیس جمهور الجزایر در جلسه سالانه سران اوپک مارس ۱۹۷۵ در الجزایر و توافق کلی دو کشور برای رفع اختلافات مرزی (پارسادوست، ۱۳۶۵: ۱۴۹).

۶- ایران و کویت

همانگونه که در بالا اشاره شد عراق با انعقاد هر گونه موافقت نامه ای بین ایران و کویت جهت تحدید حدود فلات قاره مخالفت می کند با این حال این مذاکرات در سال ۱۳۴۴ برای تعیین حدود مرز دریایی بین دو کشور در چند مرحله برگزار شد که پیشنهاداتی از ۲ طرف مطرح ولی مورد قبول طرفهای مذاکره مقابل قرار نگرفت. موانع عمده در این زمینه را علاوه بر مخالفت های عراق می توان بشرح ذیل برشمرد:

۱- اختلافات در خط مبدا طرفین و نقش جزایر در آن که در حال حاضر نیز مورد اختلاف است

۲- فلات قاره منطقه تقسیم شده است.

۷- مرزهای ایران و امارات متحده عربی

مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی تاکنون تحدید نشده است. مقامات این فدراسیون تلاش کرده اند تعیین مرز دریایی و افزاز فلات قاره این فدراسیون را مرتبط به حل مسئله جزایر ایرانی مورد اختلاف نمایند. مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی نسبت به سایر مرزها در خلیج فارس از ویژگیهای خاصی برخوردار است. اولین ویژگی آن، دو قسمت بودن مرز در خلیج فارس و دریای عمان می باشد. ویژگی دوم عدم یکپارچگی سرزمینی و چند بخش بودن امارات تشکیل دهنده فدراسیون امارات متحده عربی است و بر اساس قانون اساسی موقت هر اقدامی جهت تحدید حدود مرز دریایی و افزاز فلات قاره باید به تایید یکایک اعضاء این فدراسیون برسد. ویژگی سوم مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی تحدید بخشی از آن در دهه ۱۳۵۰ می باشد.

مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی تاکنون تحدید نشده است. مقامات این فدراسیون تلاش کرده اند تعیین مرز دریایی و افزاز فلات قاره این فدراسیون را مرتبط به حل مسئله جزایر ایرانی مورد اختلاف نمایند. مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی نسبت به سایر مرزها در خلیج فارس از ویژگیهای خاصی برخوردار است. اولین ویژگی آن، دو قسمت بودن مرز در خلیج فارس و دریای عمان می باشد. ویژگی دوم عدم یکپارچگی سرزمینی و چند بخش بودن امارات تشکیل دهنده فدراسیون امارات متحده عربی است و بر اساس قانون اساسی موقت هر اقدامی جهت تحدید حدود مرز دریایی و افزاز فلات قاره باید به تایید یکایک اعضاء این فدراسیون برسد. ویژگی سوم مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی تحدید بخشی از آن در دهه ۱۳۵۰ می باشد ۱- ایران و شارجه طبق توافقی، اجرای مقررات دریایی، دوازده مایلی آبهای سرزمینی از محل خط مبدا حد پست ترین جزر در خصوص جزیره ابوموسی را تصویب کرده اند ۲- توافق مربوط به مرز دریایی ایران و شیخ نشین دبی به طول ۳۹ / ۲۵ مایل دریایی می باشد که در تاریخ ۲۲ / ۵ / ۱۳۵۳ به امضاء دو طرف رسید. این موافقتنامه از سوی مجلس ایران تصویب شد ولی امارات تاکنون از تصویب آن خودداری کرده است این مرز از خطوط ژئودزیک تشکیل شده است. ویژگی چهارم و مهم این مرز، وجود حوزه های نفت و گاز مشترک می باشد بیشترین حوزه های کشف شده مشترک در خلیج فارس بین ایران و امارات متحده عربی قرار دارد. از آنجا که بر اساس قوانین داخلی امارات متحده عربی هر امارت مالک اصلی منابع زیرزمینی واقع در آن امارت میباشد بنابر این حوزه های مشترک را بنام حوزه مشترک ایران و امارت های مقابل می شناسیم این میادین مشترک بین ایران و امارت های ابوظبی (سلمان)، شارجه (مبارک) و دبی (نصرت و فرزاد) واقع هستند که جزء منابع ارزشمند در خلیج فارس می باشند. بیش از سه دهه از تاسیس امارات متحده عربی می گذرد، عوامل گوناگون در عدم تحدید حدود فلات قاره دو کشور مؤثر بوده که عبارتند از :

۱- طمع ارضی امارات علیه جزایر ایرانی در خلیج فارس. ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ به نظر از مهمترین عواملی است که سبب شده این کشور از تحدید حدود فلات قاره خود با ایران خودداری می کند. لازم به ذکر است این جزایر در نزدیکی تنگه هرمز واقعند و دارای موقعیت استثنایی هستند. این جزایر تا سال ۱۸۹۳ تحت حاکمیت ایران بوده اند و از آن پس تا سال ۱۹۷۱ تحت حاکمیت شارجه و راس الخیمه درآمدند. این مناطق تحت الحمایه انگلستان بودند و ضعف دولت مرکزی در ایران نیز از عوامل تاثیر گذار در این واقعه بود، با این وجود دولت ایران مستمرا و به کرات اعتراض خود را به این عمل اعلام نمود و سرانجام انگلستان به اعاده وضع حقوقی پیشین رضایت داد.

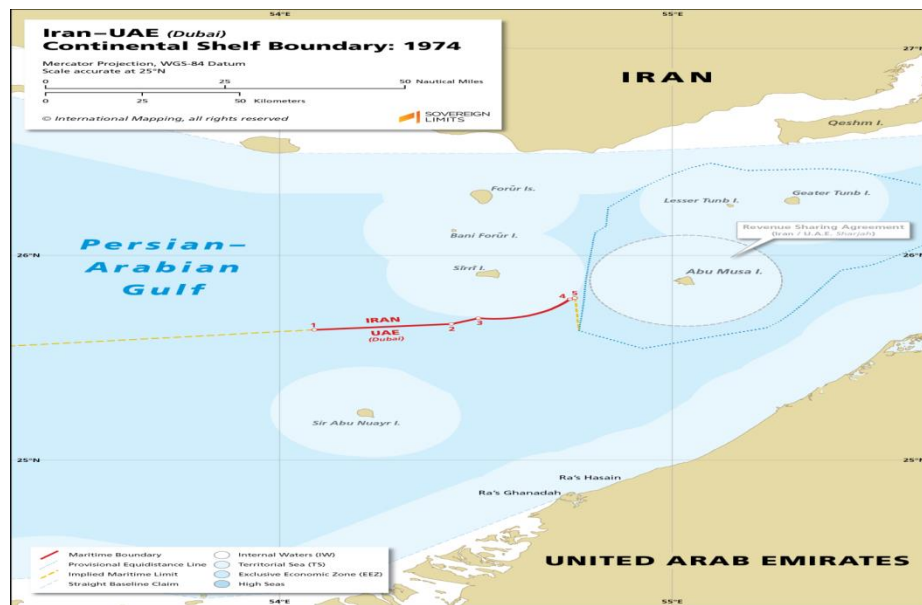
۲- ضعف قوانین داخلی امارات و وجود مشکل ساختاری و سیاسی و عدم هماهنگی بین امارت های تشکیل دهنده آن. ۳- اختلاف ارضی درون امارات متحده عربی. خلیج فارس از جمله مناطق نادر جهان است که از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی

دارای اهمیت بسیاری بوده و دارای تاریخی طولانی از درگیری استعمار گران و قدرت‌های استکباری جهان است. جزیره بوموسی به همراه جزایر تنب کوچک و تنب بزرگ مثالی را تشکیل می‌دهند که عبور و مرور کلیه کشتی‌ها به داخل خلیج فارس باید از میان این مثلث صورت پذیرد به همین دلیل است که نقش استراتژیک بسیار زیادی را در پهنه خلیج فارس دارا می‌باشند. سیر تحولات تاریخی جزایر فوق نشان می‌دهد که از همان ابتدا که نام خلیج فارس، خلیج فارس بوده است، جزایر تنب و بو موسی هم متعلق به ایران بوده است. اما از اواسط قرن هجدهم به بعد، از نفوذ ایران در سواحل جنوبی خلیج فارس کاسته شد و در مقابل بر نفوذ انگلستان افزوده شد. شیخ‌نشین شارجه که تحت‌الحمايه انگلستان بود، با کمک انگلستان توانست در این جزایر مستقر و مسلط شود و پرچم خود را بر روی این جزایر قرار دهد. در این برهه از زمان ایران امتیازات زیادی را به شیخ‌نشین شارجه در ارتباط با جزیره بو موسی واگذار کرد، همین امتیازات سبب گشته که امروزه هم کشور امارات متحده عربی ادعاهای غیرقانونی خود را در مورد این جزایر مطرح کند. اما سرانجام یک روز قبل از اتمام تعهدات دولت انگلستان نسبت به شیخ‌نشین شارجه، نیروهای ایران وارد این جزایر شدند که به‌موجب آن دوباره حاکمیت ایران بر این جزایر اعاده گشت. در هر صورت آنچه مسلم است دولت امارات متحده عربی نمی‌تواند به اهداف غیرقانونی و توسعه‌طلبانه خود برسد این‌گونه ادعاهای غیرقانونی و بی‌اساس تنها صلح و امنیت منطقه را به مخاطره می‌اندازد.

مرزهای سیاسی به‌صورت قراردادی در آب و خشکی تعیین می‌شوند. تعیین و تثبیت مرز، رابطه مستقیم با منافع ملی کشورها دارد. بحث مرز در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس از مباحث پر اهمیت است. در این بخش از جهان مفهوم مرز به‌صورت نگران‌کننده‌ای به عامل اختلاف و درگیری کشورها تبدیل شده و از آنجا که تعیین حدود دقیق مرز در بیشتر موارد در ارتباط با منابع ارزشمند هیدروکربنی است، بنابراین هر کشور تلاش می‌کند تا سهم بیشتری از آن را بدست آورد.

امروزه با وجود منابع قابل توجه انرژی در بستر خلیج فارس و احتمال کشف منابع جدید، تحدید حدود مرزهای دریایی به یک امر ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. علاوه بر منابع انرژی، میزان دسترسی به آب‌های آزاد برای کشوری چون عراق بسیار حیاتی است؛ به‌طوری‌که حکام بعثی ساقط شده این کشور برای رهایی از این جغرافیای سیاسی مشکل، دست به دو جنگ خونین و تلخ زدند. یکی از نتایج مهم افراز مرزهای دریایی، قانونمند شدن حاکمیت ملی کشورهای کرانه‌ای در قلمروهای دریایی‌شان است که نوعی هماهنگی با کنوانسیون بین‌المللی دریایی است که در سال ۱۹۸۲ توسط کشورهای عضو سازمان ملل متحد تصویب گردید. تاکنون مرز دریایی ایران با چهار کشور عربی کرانه‌های جنوبی خلیج فارس که از مرزهای مهم می‌باشند، تعیین و تصویب شده است و در بسیاری از موارد می‌تواند الگوی کشورهای دیگر باشد. اهمیت این مرزها در شیوه توافقات دو جانبه در خصوص تعیین خط مبدأ، تقسیم منابع مشترک، تقسیم قلمروهای متداخل و تصمیم‌گیری در خصوص نقش جزایر در تعیین و ترسیم مرزهای دریایی است. این مرزها از سال ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۴ به ترتیب با کشورهای زیر افراز گردیدند.

نقشه ۱. مرزهای ایران و امارات



منبع: <https://sovereignlimits.com/>

بخش‌هایی از مرز دریایی ایران با فدراسیون امارات متحده عربی در قسمت‌های دریایی مقابل امارات شارجه و دومی تعیین گردیده است. توافق نخست بین ایران و شارجه زمانی به دست آمد که بریتانیا در حال تخلیه خلیج فارس و پایان دادن به حضور نظامی خود در این منطقه بود. ایران و شیخ‌نشین شارجه طبق توافقی که انجام دادند، اجرای مقررات ایرانی دوازده مایل آب‌های سرزمینی از محل خط مبدأ حد پست‌ترین جزر در خصوص جزیره ابوموسی را تصویب کردند.

توافق دیگر مربوط به مرز دریایی ایران و شیخ‌نشین دومی به طول ۲۵ / ۳۹ مایل دریایی است که در تاریخ بیست و دوم مرداد ۱۳۵۳ (سیزدهم اوت ۱۹۷۴) به امضاء دو طرف رسید. این موافقت‌نامه از سوی مجلس ایران به تصویب رسید، ولی امارات متحده عربی تاکنون از تصویب آن خودداری کرده است. این مرز از خطوط ژئودزیک تشکیل شده است (رضوی ۱۹۹۷: ۱۵۶).

مرز دریایی ایران با کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی افزاز نشده است. طی دهه‌های گذشته مذاکراتی جهت افزاز مرز فلات قاره‌ای ایران و این کشورها به‌ویژه عراق و کویت صورت گرفت، ولی به نتیجه رضایت‌بخشی منجر نشد.

مهم‌ترین دلیل عدم تعیین مرز دریایی دو کشور، مسئله جزایر بوده است. جزایر سه‌گانه به همراه سایر جزایر ایرانی در خلیج فارس در اواخر قرن نوزدهم به اشغال نیروهای انگلیسی درآمدند. اقدامات روسیه برای حضور در خلیج فارس یکی از عواملی بود که باعث گردید تا بریتانیا جهت جلوگیری از بسط و تقویت حضور روسیه، جزایر استراتژیک ایران در خلیج فارس را اشغال نماید. در اولین گام جزایر قشم، هرمز و هنگام را اشغال کرد و در گام بعدی به طرفی است شیوخ عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس، در سال ۱۸۹۳ جزیره ابوموسی را به شارجه و جزایر تنب را به رأس الخیمه ملحق کرد (ممتاز، ۱۹۶۹: ۵۷۹).

تلاش‌های سیاسی ایران از همان ابتدای اشغال شروع و تا سی‌ام نوامبر ۱۹۷۱ که حاکمیت ایران مجدداً بر این جزایر اعاده گردید ادامه داشت. در این تاریخ توافق سه‌جانبه‌ای بین ایران، بریتانیا و امارت شارجه در خصوص جزیره ابوموسی امضاء گردید که به مشکل پیش‌گفته پایان داد. اگرچه مقامات فدراسیون امارات متحده عربی این توافق را نپذیرفتند و با هدایت و همراهی کشورهای تندرو عربی شکایتی علیه ایران به شورای امنیت تسلیم کردند؛ ولی شکایت آنان ثمری به دنبال نداشت. پس از جنگ دوم خلیج فارس با توجه به شرایط منطقه و حضور قدرت‌های بزرگ، حکام امارات فرصت را مغتنم شمرده، جهت رهایی از مشکلات داخلی خود با تنظیم دسیسه‌ای از پیش طراحی‌شده، موضوع جزایر را دوباره مطرح کردند. این بهانه در ماه آوریل ۱۹۹۲ فراهم شد. در این تاریخ مقامات ایرانی جزیره ابوموسی از ورود گروهی هندی، پاکستانی و فیلیپینی که در

استخدام امارات متحده عربی بودند و بدون آگاهی دولت ایران به ابوموسی می‌رفتند، جلوگیری کردند. ایرانیان از مدت‌ها پیش متوجه فعل و انفعال‌هایی مشکوک از سوی افرادی از ملکت‌های گوناگون در اطراف این جزیره شده بودند. قبلاً یک هلندی مسلح در آب‌های کران‌های ابوموسی دستگیر و در تهران زندانی شده بود (اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۳: ۷). وقوع این مسئله باعث تیرگی روابط گردید و امارات متحد تلاش زیادی را جهت بین‌المللی کردن این قضیه شروع کرد و در بیست و هفتم اکتبر ۱۹۹۱ (پنجم آبان ماه ۱۳۷۱) با انتشار بیانیه‌ای در سازمان ملل متحد اولین بار ادعای مالکیت بر این جزیره کرد. مقامات کشورمان موضوع پیش آمده را صرفاً سوء تفاهم عنوان کرده، خواستار مذاکره شده و در عین حال بر قابل مذاکره بودن حاکمیت و مالکیت ایران بر جزیره ابوموسی تأکید کرده‌اند. تمایل ایران برای حل مسالمت‌آمیز این سوء تفاهم همواره به مقامات اماراتی اعلام گردیده است. در حال حاضر موضع امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه گانه به علت عدم حمایت جدی اعراب دچار چالش گردیده است؛ اما با این وجود به علت گریز از مسائل و مشکلات داخلی و سوء استفاده از این مسئله جهت وحدت آفرینی، همچنان بر طمع ارضی خود تأکید دارد.

افول قدرت استعمار پیر انگلیس پس از جنگ جهانی دوم زمینه‌ساز پیروزی جنبش‌های استقلال‌طلب در مستعمرات و بعضاً ظهور کشورهایی جدید در عرصه روابط بین‌الملل گردید که به دلیل مشخص نبودن وضعیت مرزی در تعارض با همسایگان‌شان قرار داده شدند. منطقه استراتژیک خلیج فارس نیز از جمله مناطقی است که این توطئه طرح‌ریزی شده در آن به اجرا درآمده، به طوری که در این منطقه نمی‌توان کشوری یافت که از مرزهای مطمئن معتبر و بدون مناقشه‌ای برخوردار باشد. به برخی از این اختلافات که به صورت ادعاهای تاریخی بین کشورهای این منطقه وجود دارد به ترتیب زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱- اختلاف ارضی عربستان، قطر بر سر یک باریکه ۲۵ کیلومتری در نزدیکی مرز بین‌المللی خود با امارات متحده عربی
 - ۲- ادعای مالکیت کویت توسط عراق که بارها توسط عراق مطرح شده و این کشور به این دلیل در سال ۱۹۹۰ به طور کامل کویت را اشغال کرد و باعث بروز جنگ خلیج فارس (نفت) شد
 - ۳- مناقشه قطر، بحرین راجع به جزایر (هور) در ۲۰ کیلومتری جنوب بحرین و در نزدیکی ساحل قطر که در سال ۱۹۸۶ این دو کشور را در آستانه جنگ قرار داد.
 - ۴- منازعه ده‌ها ساله عربستان، یمن در مورد استان‌های نفت‌خیز مرزی جزان نجران و آثیه.
 - ۵- اختلاف ارضی و دریایی عربستان، کویت در مورد منطقه بی‌طرف بین دو کشور و همچنین دو جزیره قارو و ام الماردین در سواحل کویت.
 - ۶- مناقشه عمان، امارات متحده عربی، در مورد مالکیت واحه، بورایمی و العین.
 - ۷- ادعای عمان در مورد شیخ نشین رأس الخیمه، که پس از کشف نفت در آب‌های ساحلی آن عمان در دسامبر ۱۹۷۱ مدعی بخش شمالی این امیر نشین شد.
 - ۸- اختلاف بین عربستان، یمن که مدت‌های مدیدی به صورت منازعات قبیله‌ای بین دو کشور ادامه داشت.
 - ۹- ادعای امارات متحده شارجه در مورد جزیره ایرانی ابوموسی و همچنین ادعای امیر نشین رأس الخیمه در مورد جزایر تنب بزرگ و کوچک در نزدیکی تنگه هرمز.
- برای آشنایی با ادعاهای پیشین بریتانیا در مورد جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، از سوی امارات شارجه و رأس الخیمه و تجدید بی دلیل این ادعاها از سوی امارات متحده عربی، ضروری است نخست با موقعیت جغرافیایی و ارزش استراتژیک و برخی پیشینه‌های تاریخی اوضاع این جزایر آشنایی دست دهد.

-تنب بزرگ

این جزیره در ۱۷ مایلی جنوب باختری جزیره ایرانی قشم واقع شده است. اگرچه فاصله این جزیره با خاک اصلی ایران (بندرلنگه) از سی مایل بیشتر نیست، ولی از آنجا که در محاسبات مرزی دریایی در خلیج فارس، جزیره قشم جزو خاک اصلی ایران شمرده می‌شود، فاصله جزیره تنب بزرگ با خاک اصلی ایران را باید همان ۱۷ مایل دانست. فاصله این جزیره از کرانه‌های جزیره الحمراي رأس الخیمه که ظاهراً مدعی اصلی این جزیره است، از ۴۶ مایل فراتر می‌رود.

-تنب کوچک

این جزیره صخره‌ای در ۸ مایلی باختر جزیره تنب بزرگ واقع است. واژه «تنب» واژه‌های تنگستانی (فارس جنوبی) به معنی «تپه» است.

-ابوموسی

این جزیره از هردو جزیره یادشده در بالا، بزرگ‌تر است و تقریباً در میانه دریا، روی خط منصف خلیج فارس (نسبت به دو ساحل ایرانی و عربی) واقع شده است. فاصله کرانه‌های شمالی این جزیره با خاک اصلی ایران ۴۲ مایل و فاصله کرانه‌های جنوبی آن با شارجه که ظاهراً مدعی اصلی این جزیره است، ۴۰ مایل برآورد می‌رود. از این‌روست که موقعیت ابوموسی را در پایین خط منصف خلیج فارس می‌دانند. فاصله این جزیره نسبت به جزایر ایرانی تنب بزرگ و سیری از ۳۰ مایل فراتر نمی‌رود.

تنها در دو جزیره تنب بزرگ و ابوموسی افرادی زندگی می‌کنند، ولی تنب کوچک خالی از سکنه است. جمعیت دو جزیره تنب بزرگ و ابوموسی، به هنگام بازگشت داده شدن به ایران، به تأیید هردو دولت ایران و بریتانیا در نوامبر ۱۳۷۱، به ترتیب ۲۵۰ و ۳۰۰ تن بود. این ارقام، هم‌اکنون و به همان ترتیب، از ۴۰۰ و ۷۰۰ تن فراتر می‌رود. مردم ساکن در تنب بزرگ از دو گروه ایرانی و عرب الاصل هستند. مردم ایرانی آن از اصل بندرلنگه و مردم عرب آن از اصل قبیله بنی یاس دویی هستند و هیچ ارتباطی با رأس الخیمه ندارند. و مردم ایرانی ابوموسی از اصل بندرلنگه و مردم عرب آن از اصل قبیله سودان در شارجه هستند. با این حال، مدعیان پیشین و کنونی این جزایر همه ساکنان تنب بزرگ و ابوموسی را عرب دانسته و همین ادعا را به عنوان یکی از اصول دعاوی خود نسبت به این دو جزیره مطرح ساخته‌اند. در صفحات بعدی خواهیم دید که این دعاوی تا چه اندازه واقعی و پایه‌های حقوقی آن تا چه اندازه می‌تواند ارزش توجه داشته باشد.

این سه جزیره، توأم با چهار جزیره دیگر ایرانی در تنگه هرمز، در حقیقت مجمع‌الجزایری هستند با ارزش استراتژیک فراوان بر سر راه‌های ورود و خروج در تنگه هرمز. ارزش استراتژیک این جزایر، به خودی خود، کمتر از آن است که مورد توجه قرارگیرد. ولی موقعیت آن‌ها، در ادامه زنجیر استراتژیک ایران در تنگه هرمز، اهمیت فراوانی را مطرح می‌سازد. به گفته دیگر، این سه جزیره تنها در صورت ایرانی بودن ارزشی استراتژیک دارند و یکی از دلایل طرح مجدد ادعا نسبت به این جزایر از سوی امارت متحده عربی، این است که این جزایر در دست ایران نباشد و خط زنجیر دفاعی ایران در تنگه هرمز را تکمیل نکنند. به همین دلیل است که در برخی از نوشته‌ها و گفته‌های پیشین خود، طبیعت طرح مجدد ادعای امارات متحده عربی نسبت به این جزایر و اصالت حقوقی این دعاوی را تردیدآمیز دانستم. تردیدی نیست که طبیعت طرح مجدد این دعاوی از سوی امارات متحده عربی، طبیعتی سیاسی است و دلایل لغزنده و سست حقوقی که درگذران تجدید این دعاوی، در برابر استدلال‌های مستند و نیرومند ایرانی، مطرح ساخته‌اند، نشانه آشکاری است از سیاسی بودن این ادعا.

تحلیل داده‌های کیفی

«کدگذاری» رویه‌ای نظام‌مند است که توسط اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) برای کشف مقوله‌ها، مشخصه‌ها و ابعاد داده‌ها توسعه داده شده است. در این تحقیق، بر اساس کدگذاری، مدلی نظری توسعه می‌یابد تا پدیده تشریح و تبیین شود. گفتنی است فرایند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش، به صورت زیگزاگی و هم‌زمان انجام می‌گیرد. جمع‌آوری

داده‌ها تا جایی ادامه پیدا می‌کند که محقق در داده‌ها به مرز اشباع برسد و مفاهیم مرتبط با پدیده اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس که توسط مصاحبه شونده‌گان مختلف مطرح می‌شوند، تکراری شده و مطلب جدیدی به مدل اضافه نشود.

مصاحبه با تمام خبرگان در محل کارشان انجام شده است. تحلیل جزئی داده‌ها، پرسش و تحلیل مقایسه‌ای، روش‌های اصلی تحلیل در نظریه برخاسته از داده‌ها هستند. برای توسعه مدل نظری حل اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس، محقق به شکلی مداوم و هدفمند، طی فرایند تحلیل داده‌ها بین کدگذاری باز و محوری حرکت کرده است. همان طور که اشتراوس و کوربین تأکید کرده‌اند، فرایند کدگذاری باز و محوری دو گام متوالی یک فرایند تحلیلی نیستند؛ بلکه فرایند کدگذاری، پویا و شناور انجام می‌گیرد.

در ابتدای کدگذاری، تلاش می‌شود مقوله‌ها از طریق کدگذاری باز مشخص شود و طی کدگذاری محوری، مقوله‌ها به یکدیگر مرتبط می‌شوند. بعد از این که ارتباط بین مقوله‌ها طی کدگذاری باز و محوری شناسایی شدند، از طریق کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها، مقوله‌های فرعی و ارتباط آن‌ها یکپارچه می‌شود تا مدل نظری توسعه یابد.

۱- شرایط علی

پاسخ دهندگان در پاسخ به سؤالات مرتبط با هر یک از ابعاد مدل پارادایمی به تشریح پدیده اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس پرداختند. از تحلیل جملات و دیدگاه‌های این افراد، کدهای اولیه استخراج شد. در مرحله بعد، کدهای مشترک و مورد تأکید تمامی مصاحبه شونده‌گان به انضمام کدهای با اهمیت از دید محقق به عنوان کدهای نهایی به همراه منبع آن‌ها مشخص شدند. توضیحات مصاحبه شونده‌گان در پاسخ به سؤالات مربوط به شرایط علی اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس، در جدول زیر بیان شده است. این جدول شامل ۴ مفهوم و ۱۸ کد نهایی مستخرج از مصاحبه است.

جدول ۳. مقوله‌ها و مفاهیم شناسایی شده مرتبط با شرایط علی

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
شرایط علی	عملکرد قدرت‌های فرا منطقه-	سیاست‌های انگلستان
	ای	سیاست‌های امریکا
		نقش مصر
		نقش اسرائیل
		عملکرد کشورهای اروپایی
	عملکرد کشورهای منطقه	عملکرد عربستان
		عملکرد ایران
		عملکرد امارات
		عملکرد ترکیه
		عملکرد بحرین
	اختلافات تاریخی	مذهبی
		فرهنگی
		اقتصادی
		سیاسی
	موقعیت ژئواستراتژیکی و	منابع
	ژئواکونومیکی منطقه	ترانزیت

بازار

تنگه هرمز

بحران خیز بودن

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۲- شرایط زمینه‌ای

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سؤالات مربوط به شرایط زمینه‌ای موثر در اختلافات مرزی دریایی ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس توضیحات و مصادیقی را بیان کردند که کدهایی از عبارات مهم آن‌ها استخراج شده است. در مرحله بعدی این کدها پالایش شده و مهم‌ترین آن‌ها، کدهای نهایی شرایط زمینه‌ای را تشکیل داده است. در جدول زیر کدهای نهایی ارائه شده است. این جدول شامل ۴ مفهوم و ۱۵ کد نهایی استخراج شده از مصاحبه است.

جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط زمینه‌ای

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
شرایط زمینه‌ای	حساسیت جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه	تنش‌های فیما بین
		حضور نیروهای فرامنطقه‌ای
		وجود پایگاه‌های نظامی
		نامنی و جنگ
ساختار ژئوپلیتیک جهانی	منابع منطقه	تهدیدات آب و هوایی و زیست محیطی و هویتی
		شکندگی مرزهای منطقه
		توزیع پایگاه‌ها
		نفث
منابع منطقه	نیروی انسانی	گاز
		منابع غیر فسیلی
		پان عربیسم
		پان ترکیسم
استراتژی امنیتی متعارض	اسلام‌گرایی افراطی	امنیت منطقه ای در مقابل فرامنطقه ای

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۳- شرایط مداخله‌گر

خبرگان مصاحبه‌شونده در پاسخ به سؤالاتی که مربوط به شرایط مداخله‌گر موثر در اختلافات مرزی دریایی ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس بود، توضیحاتی دادند. در طی فرایند جمع‌آوری داده‌های مصاحبه، کدهایی از عبارات مهم آن‌ها استخراج شد و در مرحله بعدی این کدها پالایش شده و مهم‌ترین آن‌ها به عنوان کدهای نهایی شرایط مداخله‌گر در نظر گرفته شد. در جدول زیر کدهای نهایی ارائه شده است. این جدول شامل ۳ مفهوم و ۱۰ کد نهایی استخراج شده از مصاحبه است.

جدول ۵. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله‌گر

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
مسائل زیست محیطی	خشکسالی	

انواع الودگی‌ها	
ریزگردها	
سیستم حکومتی نامشابه	مسائل سیاسی
اختلاف روحیه و شخصیت رهبران کشورها	
ایدئولوژی‌های سیاسی ناهمگون	
عرب و عجم	مسائل قومی - مذهبی
کرد و ترک	
سنی و شیعه	
ایرانی و عرب	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۴- پدیده و ابعاد آن

خبرگان مصاحبه شونده در پاسخ به سؤالات مربوط به پدیده اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس و حل اختلافات مرزی مصادیق فراوانی را بیان کردند. در طی فرایند جمع‌آوری داده‌های مصاحبه، کدهایی از عبارات مهم آن‌ها استخراج شد و در مرحله بعد این کدها پالایش شده و مهم‌ترین آن‌ها به عنوان کدهای نهایی پدیده و ابعاد آن در نظر گرفته شد. در جدول زیر کدهای مربوط به ابعاد پدیده ارائه شده است. این جدول شامل ۴ مفهوم و ۱۴ کد نهایی استخراج شده از مصاحبه است.

جدول ۶. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پدیده اصلی

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
ابعاد پدیده	بعد حقوقی	تفسیر قراردادهای مرزی
		مشروعیت قراردادهای مرزی
		اجرای قراردادهای مرزی
		نظارت بر قراردادهای مرزی
بعد منطقه‌ای		جنگ‌های نیابتی
		حمایت از گروه‌های معاند همدیگر
		حمایت از مخالفین (اپوزسیون) همدیگر
		ضربه زدن به منافع ملی همدیگر
		عدم همزیستی مسالمت آمیز
بعد بین‌المللی		ارجاع دعای به محاکم بین‌المللی
		باز شدن پای قدرت‌های فرامنطقه‌ای به موضوع
بعد ژئوپلیتیکی		درگیری‌های مرزی
		رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
		شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۵- راهبردها و اقدامات

مصاحبه شوندگان در پاسخ به سؤالات مربوط به راهبردها و اقدامات حل اختلافات مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس و حل اختلافات مرزی، توضیحات خود را ارائه دادند. در طی فرایند جمع‌آوری داده‌های مصاحبه، کدهایی از عبارات مهم آن‌ها استخراج شد و در مرحله بعد این کدها پالایش شده و مهم‌ترین آن‌ها به عنوان کدهای نهایی راهبردها و

اقدامات در نظر گرفته شد. در این قسمت به لحاظ ماهیت سؤال، فقط کدگذاری مرتبه اول صورت گرفت. در جدول زیر کدهای نهایی ارائه شده است. این جدول شامل ۵ مفهوم و ۱۲ کد نهایی استخراج شده از مصاحبه است.

جدول ۷. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با راهبردها و اقدامات

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
راهبردها	همگرایی سیاسی	تاسیس نهادهای منطقه‌ای متشکل از همه کشورها دیدارهای مقامات رسمی دو و چند جانبه کشورها گفت و گوهای رسمی دو و یا چند جانبه
	همگرایی فرهنگی	شکل‌گیری روابط فراملی حمایت از انواع تبادلات علمی، فرهنگی و ... تبلیغ و برجسته نمودن زمینه‌های مشترک فرهنگی برجسته شدن منافع روابط اقتصادی کشورهای منطقه
	همگرایی اقتصادی	همکاری در زمینه‌های اقتصادی مشترک شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای حمایت از توریسم و گردشگری تسری همکاری از زمینه‌های اقتصادی به زمینه‌های سیاسی و فرهنگی مثل اروپا

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۶- پیامدها

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سؤالات مربوط به پیامدها، توضیحات خود را ارائه دادند. در طی فرایند جمع‌آوری داده‌های مصاحبه، کدهایی از عبارات مهم آن‌ها استخراج شد و در مرحله بعدی این کدها پالایش شده و مهم‌ترین آن‌ها به عنوان کدهای نهایی پیامدها در نظر گرفته شد. در جدول زیر منبع آن‌ها ارائه شده است. این جدول شامل ۴ مفهوم و ۲۱ کد نهایی استخراج شده از مصاحبه است.

جدول ۸. مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پیامدها

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
پیامدها	ارتباطات سیاسی	افزایش دیدارهای دو جانبه مدیریت تنش‌ها افزایش درک مشترک از مسائل سیاسی مواضع مشترک و نزدیک سیاسی
	ارتباطات فرهنگی	گفت و گوهای فرهنگی تسهیل گردشگری تبادل فرهنگی تاسیس موزها و دانشگاه‌های مشترک برگزاری کنفرانس‌های دو جانبه حول هویت فرهنگی مشترک آسیب‌شناسی دوره‌های چالش‌های فرهنگی دو جانبه
	ارتباطات اقتصادی	تلاش برای رونق اقتصاد مرزی حاکمیت نگاه اقتصادی به مرزها انعقاد قراردادهای اقتصادی دو جانبه اولویت دادن به ارتباطات با همسایگان

میانجیگری در چالش‌های منطقه‌ای

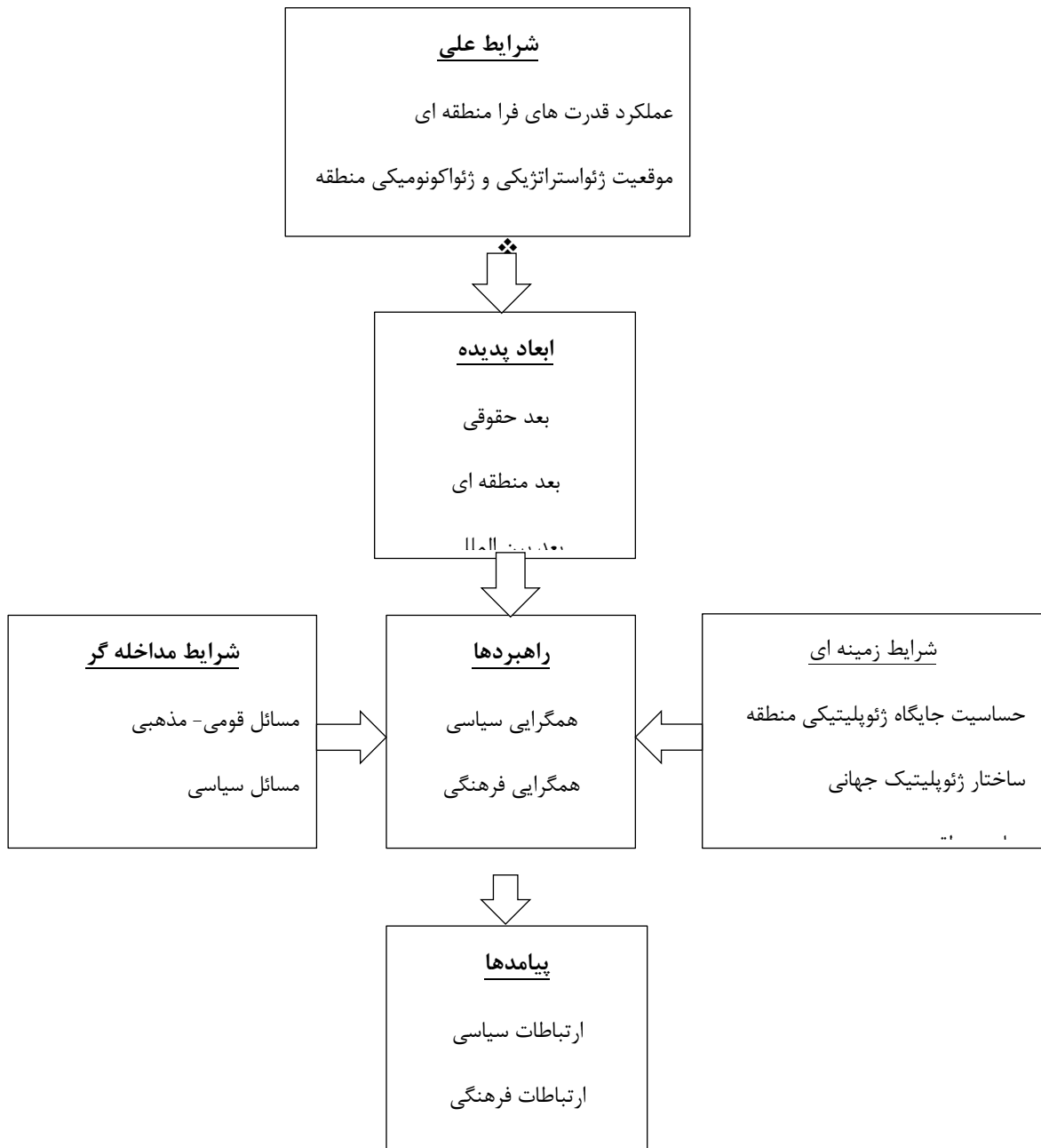
برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای

برگزاری مانورهای نظامی مشترک

همکاری نهادهای نظامی و امنیتی دو و چندجانبه

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۷- تصریح مدل



شکل ۱: مدل پیشنهادی پژوهش‌گر

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

منطقه خلیج فارس به دلیل پتانسیل‌های مادی و غیرمادی خود باعث تجمعی از منافع و اهداف متعارض قدرتهای خارجی در منطقه شده است و زمانی که اختلافات کشورها شدت می‌گیرد، به نوعی بازتابی از شدت گرفتن کشمکش در میان خود که متاثر

از منافع ژئوپلیتیکی قدرت های خارجی در منطقه و روند تحولات آن می باشد، و هرگاه منافع ملی یک دولت در یک منازعه منطقه ای با منافع منطقه ای و بین المللی یک کشور فرا منطقه ای هماهنگ شود، باعث تداوم اختلافات خواهد شد. یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار بر اختلافات، نظام بین الملل می باشد که در اختلافات و تداوم آن نقش بسزایی دارد که در این باره باید گفت که منازعه کشورها هم در دوران جنگ سرد و هم پس از آن ادامه داشته است. این گونه استنباط می شود در شرایط جنگ سرد و بعد از آن با نظم نوین جهانی باز هم تاثیری در پایان اختلافات کشورها نداشته است؛ زیرا نظام دو قطبی تمایل به حل اختلافات و پایان دادن به آن ها را نداشته و سرچشمه و عواملی که نقش اساسی در تداوم اختلافات کشورها را دارند، از ویژگی های درون منطقه ای و ساختار ژئوپلیتیکی منطقه است و به همین جهت قدرت های خارجی و منافع متعارض ژئوپلیتیکی آن ها در جهت بهبود روابط و حل و فصل اختلافات نبوده است، و این درست زمانی است که با اعلام زمان خروج بریتانیا از منطقه تا آغاز دهه ی ۱۹۷۰ بسیاری از کشورهای منطقه به دنبال حل و فصل و تعیین مرزهای خود بودند ولی خروج بریتانیا از منطقه و حضور آمریکا در منطقه به عنوان قدرت های فرامنطقه ای حکایت از آن دارد که حل اختلافات مرزی لاینحل و در راستای منافع آن ها می باشد و این در حالی است که در نظام جدید جهانی، اهمیت اقتصادی در عرصه جهانی بیشتر می شود و هم اکنون قدرت اقتصادی یک کشور تا حد زیادی تعیین کننده نقش و جایگاه کشورها در نظام جهانی می باشد و از این رو از این منظر مناطقی همچون خلیج فارس که از نظر انرژی غنی می باشند اهمیت دارد و در نتیجه در نظام جدید جهانی مناطق اقتصادی موقعیت بهتری را خواهند داشت و برای برون رفت از این مسئله کشورهای منطقه باید سیستمی را اجرا کنند که ضمن اجتناب از هرگونه دخالت قدرت های خارجی با مشارکت کشورهای منطقه خلیج فارس با تدابیر سیاسی و حقوقی، اختلافات مرزی خودشان را حل کنند.

در این میان عوامل چندی را می توان در به اجماع نرسیدن کشورهای منطقه برای ایجاد یک راهکار و راه حل نهایی و پایدار برای حل و فصل اختلافات مرزی میان خود نام برد. اما دو عامل مهم و تأثیرگذار در این زمینه می باشند؛ یکی تمایلات توسعه طلبانه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در قبال یکدیگر و دیگری موقعیت استراتژیک مناطق مورد مناقشه به لحاظ کشف نفت و موقعیت نظامی. نمونه های عینی عربستان سعودی و عراق و تا حدی کمتر سایر شیخ نشین ها هستند. در این زمینه یکی از رویاهای دیرینه عربستان سعودی استیلا بر تمام جزیره العرب می باشد. عربستان سعودی از زمان تأسیس خود، این اندیشه را رها نکرده و هرگز آن را کتمان نیز ننموده است. این کشور در این زمینه سیاست خود را به صراحت چنین اعلام نموده است؛ عربستان سعودی مایل است درباره یک نکته اساسی تأکید کند و آن وضع غیر طبیعی سیستم سیاسی امروزه خلیج فارس است که در قرن نوزدهم به وسیله امپراطوری انگلیس مستقر شده است... باید اقرار نمود که این بنای یادبود دوران امپراطوری دیگر رژیم نیست که هم آهنگ با احتیاجات و خواست های منطقه خلیج فارس باشد. عربستان سعودی معتقد است که اگر دخالت انگلیسی ها در میان نبود مشکل واقعی در مورد این سرحدات به وجود نمی آمد بنابراین تجاوز عربستان به یمن و اشغال ناحیه عسیر، تجاوز نظامی به ابوظبی و عمان و اشغال ناحیه بوریمی، تجاوز به قطر و اشغال جنوب این کشور و مطامع ارضی این کشور نسبت به کویت از این سیاست ناشی می شود. هرچند عربستان سعودی ترجیح می دهد به جای توسل به نیروی نظامی و جنگ بیشتر از طریق مسالمت آمیز به اهداف خود دست یابد و به عبارت دیگر تلاش می کند تا از طریق همگرایی منطقه ای به سیاست خود جامعه عمل ببوشاند، اما موارد متعدد توسل به زور و نیروی نظامی نشان دهنده تمایلات قوی توسعه طلبانه این کشور است. تجاوزات عراق به همسایگانش در زمان صدام نیز در راستای سیاس تهای توسعه طلبانه بغداد به علت گرفتار آمدن در تنگنای ژئوپلیتیکی-استراتژیکی و منافع اقتصادی مانند تصاحب درآمد نفت کویت و خوزستان ایران قابل ارزیابی است. این دو عامل با شدت کم و زیاد در مورد سایر شیخ نشین های خلیج فارس قابل تسری است. به گونه ای که اختلاف عمان و ابوظبی بر سر واحه های بوریمی ناشی از موقعیت استراتژیک آن به لحاظ وجود نفت

است. یا اختلاف قطر و بحرین بر سر جزایر حواری که از زمان واگذاری امتیاز استخراج نفت بروز کرد. همچنین ادعاهای یمن بر منطقه عسیر که منطقه ای نف تخیز است و یا ادعای عربستان بر دو سوم خاک یمن به علت موقعیت استراتژیک آن به لحاظ ارتباطی و نظامی و بسیاری دیگر که علاوه بر موقعیت استراتژیک مناطق، اهداف و مقاصد توسعه طلبانه کشورهای منطقه را نیز به نمایش می‌گذارد، در قالب این دو عامل قابل ارزیابی است.

نتایج تحلیل داده‌های کیفی تعیین‌کننده شرایط تأثیرگذار بر نقش خطوط مرزی دریایی در روابط ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس است. با توجه به نتایج، تأمین منافع بلند مدت جهت کاهش چالش‌ها و حفظ و افزایش تاثیرگذاری اقتصادی مرزها هم‌زمان با تغییر نگرش همسایگان، نیاز به شناسایی انتظارات و الگوی تفکر و تحلیل همسایگان را ایجاد می‌نماید. ایجاد تصویر ذهنی متمایز از سایر کشورهای بعضاً متخاصم در اذهان همسایگان و تقویت سیستم مدیریت اختلافات مرزی، از اقدامات ضروری جهت رشد ارتباطات محسوب می‌شود. همچنین نتایج شناسایی شرایط زمینه‌ای در تدوین الگوی ارزش‌یابی روابط بر تشدید فضای رقابت بین همسایگان، چالش ادراک شده، تنوع الگوهای تصمیم‌گیری مبتنی بر تفاوت‌های کشورهای و پیچیدگی فعالیت‌های حل اختلافات مرزی تأکید دارد.

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری و تغییر در انتظارات و خواسته‌ها بر لزوم تدوین بسته‌های پیشنهادی مبتنی بر شرایط محیطی (اقتضایی) و تفاوت‌های کشورهای می‌افزاید. تغییر در تعاملات برون‌مرزی در عرصه صادرات و واردات، گسترش فعالیت‌های اقتصادی مرزی، تمایز در پتانسیل‌ها، تغییر در ویژگی‌های فناوری، افزایش دانش و تجربه جمعی کشورهای و تفاوت در الگوهای ارتباطی، تدوین الگوی ارزشیابی حل اختلافات مرزی را به فرایندی پویا و مداوم تبدیل می‌نماید.

نتایج نشان داد در حل اختلافات مرزی دریایی ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس، مطالعه کمی فعالیت‌های مرزی و تعیین معیارهای حل اختلافات مرزی دریایی اهمیت دارد. منظور از ارزش‌یابی، مقایسه وضعیت موجود و مطلوب و تعیین شاخص‌های عملکرد و هویت مرز است. تعیین شاخص‌های اثربخشی عملکرد مرزها و تخصیص امتیازات کمی هم‌زمان با تدوین معیارهای نگرشی و رفتاری تصویر ذهنی مرزها از مبانی ارزش‌یابی محسوب می‌شوند.

برقراری روابط بلند مدت با همسایگان و پیاده سازی الگوهای همگرایی، همسایگان را با ویژگی‌ها و مشخصه‌های متمایز مرزها آشنا می‌سازد.

فرایندهای جذب، حفظ و وفادارسازی کشورهای جنوبی خلیج فارس را می‌توان به طور جداگانه بر اساس فعالیت‌های مرتبط با هر فرایند تعریف نمود و با تجزیه و تحلیل هر فعالیت، کارایی و اثربخشی نتایج را بهبود بخشید.

ارتقای سطح روابط، افزایش ادراکات متقابل، تعیین جایگاه رقابتی بر اساس پتانسیل‌ها و معیارهای قابل سنجش، تقویت جایگاه خطوط مرزی دریایی و ارائه الگو جهت ارزیابی مجدد استراتژی‌های حل اختلافات مرزی از پیامدها و نتایج تدوین الگوی متناسب با ساختار، فرهنگ و پتانسیل‌های کشورهای جنوبی خلیج فارس می‌باشد.

در نهایت، ارائه الگوی حل اختلافات مرزی و کاربرد آن، به ایجاد تصاویر ذهنی متمایز و تقویت تقاضا مناسب با ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر کشور، منجر خواهد شد. با توجه به نتایج، بازنگری در راهبردها و استراتژی‌های کشورهای، توصیه می‌شود.

شناسایی فرایندهای مرتبط با حل اختلافات مرزی با توجه به تنوع فعالیت‌هایی که در هر فرایند انجام می‌پذیرد، نیازمند کار تیمی و همکاری همه کشورهای می‌باشد. تجزیه و تحلیل فعالیت‌های مرتبط با فرایندهای جذب، حفظ و وفاداری کشورهای جنوبی خلیج فارس در روابط با ایران، کاستی‌ها و نقاط ضعف را نمایان خواهد ساخت.

تعریف منطقه هدف با توجه به اهداف بلندمدت ایران، شناسایی و تحلیل هدفمند کشورهای جنوبی خلیج فارس را میسر می‌سازد. هر کشور می‌بایست وجه تمایز از سایر کشورهای را مشخص سازد تا بتوان تداعی‌گرها و ویژگی‌های متمایز در برقراری ارتباط با کشورهای را لحاظ نمود و تصویر متمایزی را از هر کشور در اذهان دیگر کشورهای ایجاد نمود. به طور کلی در

یک جمع بندی می توان گفت برای حل اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و ایجاد یک رژیم امنیتی پایدار سه مولفه شامل حضور مستقیم قدرتهای عمده جهانی خصوصاً آمریکا، حفظ امنیت با تشکیل پیمانهای منطقه ای و بومی که با قدرت های جهانی ارتباط مستقیم و غیرمستقیم داشته باشد و طرح همکاری منطقه ای بدون ارتباط با قدرت های خارج از منطقه خلیج فارس لازم است. اما هیچ یک نتوانسته بر مشکل امنیتی منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس فائق آید. در همین ارتباط مولفه چهارمی تحت عنوان همگرایی منطقه ای نیز مطرح گردیده است. ایران از پشتیبانان جدی این نظریه بوده به اعتقاد این کشور همگرایی به عنوان راه حلی برای همکاری و نزدیکی کشورهای منطقه و ثبات بیشتر آنها در نظر گرفته می شود و ایران همیشه خواستار تأمین امنیت منطقه خلیج فارس توسط کشورهای ساحلی این منطقه و کوتاه شدن دست بیگانگان و دخالت نکردن قدرت های خارجی می باشد اگر چه همگرایی در این منطقه با موانع و مشکلات فراوانی مواجه می باشد، بنابراین از نگاه ایران ابتدا باید به موانع درون منطقه ای همگرایی پرداخت. شناخت دقیق اختلافات کشورهای منطقه از جمله اختلافات مرزی و ارائه دقیق خسارات وارده بر منطقه ناشی از این اختلافات میتواند به حل این اختلافات کمک کند. این عامل با پررنگ کردن عوامل مشترک میان کشورهای منطقه باعث همگرایی هر چه بیشتر و حذف نفوذ قدرت های فرامنطقه ای می باشد و این حسن نیت و عزم راسخ کشورها بر همگرایی است که می تواند ثبات و امنیت منطقه را تضمین نماید. اما این راهکار مورد حمایت ایران نیز به واسطه موانع بزرگی که بر سر راهش قرار دارد نتوانسته همانند سه مولفه اول به حل اختلافات مرزی در منطقه خلیج فارس بیانجامد.

منابع

- الهی، همایون (۱۳۸۶)، خلیج فارس و مسائل آن تهران: نشر قومس
- پرسکات، جی. آر. (۱۳۵۸)، گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میر حیدر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴)، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ریبعی، حسین (۱۳۸۸)، نقش قدرت منطقه ای در حل و فصل اختلافات سرزمینی نمونه موردی خلیج فارس. مقاله دکتری رشته جغرافیای سیاسی تهران: دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر پیروز مجتهد زاده
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴)، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، تهران: نشر قومس
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱)، کانون های بحران در خلیج فارس، تهران: سازمان انتشارات کیهان
- جعفری ولدانی، حق شناس کاشانی؛ اصغر، نیلوفر (۱۳۷۲)، اختلافات ارضی و مرزی بین دولت های خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت مرزهای منطقه، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷)، نقش انگلستان در تحدید مرزهای عراق و کویت به روایت اسناد وزارت خارجه انگلیس، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۱۹۶-۱۶۳
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۹)، نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال کویت، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۹، صص ۶۹-۴۵
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، قم: سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، جلد اول
- درایسدل، بلیک؛ آلاسیدر، جرالد اچ (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال افریقا؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ پنجم.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۶)، مقدمه ای بر شناخت مرزهای بین المللی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی

کمپ، هارکاو؛ جفری، رابرت (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسین متین؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد اول

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، خلیج فارس، کشورها و مرزها؛ تهران انتشارات عطایی
مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا محمدی نوری؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس؛ تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
میرحیدر، دره و دیگران (۱۳۸۶)، روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۱)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت.
حافظ نیا، محمدرضا، فرجی، بهرام (۱۳۹۳)، تاثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۷، شماره ۲۴، تهران: ۷۹-۱۰۶.
حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ دوم، مشهد: انتشارات پاپلی.
سریع القلم، محمود (۱۳۹۵)، نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۱، تهران: ۱۰۱-۱۴۰.

میرحیدر، دره (۱۳۸۷)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم

منابع لاتین

Prescott, J. R. V. (1987) Political frontiers and boundaries. London, UK: Allen and Unwin.

سایت‌ها

افکار نیوز، «نگاهی به اختلافات رژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس»، ۱ اردیبهشت ۹۱، قابل‌بازیابی

در: <http://www.afkarnews.ir/vdcfjxd1.w6dctagiiw.html>

خبرگزاری موج، «اختلافات مرزی بحرین با قطر بالا گرفت»، ۳ مرداد ۸۹، قابل‌بازیابی در:

<http://www.ghatreh.com/news/nn5223879>

خبرگزاری فارس، «نگاهی به اختلافات رژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس-۲»، ۹۱/۲/۲، قابل‌بازیابی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910201000027>

رضایی، مسعود؛ «اختلافات کشور‌های ساحلی حوزه خلیج فارس»، سایت مرکز مطالعات خلیج فارس، قابل‌بازیابی در:

<http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&id=83>

روزنامه ابتکار، «گزارش «میس» از موانع اجرای پروژه‌های جمعی انرژی در جنوب خلیج فارس: کشورهای عربی دست به

دامن ایران شدند»؛ شماره ۱۳۷۴، سال پنجم، ۷ دی ۱۳۸۷

همشهری آنلاین، «اختلافات مرزی عربستان با همسایگان»؛ ۱۶ آذر ۹۰، قابل‌بازیابی در:

<http://www.hamshahrionline.ir/details/241586>

http://www.public.iastate.edu/~pol_s.251

<http://www.stockphotos.ro/qatar-political-map-image62735384.html>

http://opinionator.blogs.nytimes.com/2012/05/01/put-it-in-neutral/?_r=0

<http://www.catnaps.org/islamic/history.html>

<https://www.google.com/earth>

<https://sovereignlimits.com>

<http://ezendehboudi19.blogfa.com>